

وَأَتَوَالْنِسَاءَ صَدَقَاتَهُنَّ نَحْلَةً...

مَهْرٌ وَجَاهِزِيَّةٌ عَزَنُ

د

اسْلَام



وَأَتَوْنَ نِسَاءَهُنَّ صَدَقَاتَهُنَّ نَحْلَةً...

# مهر و جهیزیه ی زن در اسلام

گرانی مهریه = روی گردانی از ازدواج = ارتکاب جرایم و  
بروز عواقب ناگوار = تباهی و هلاکت جامعه.

## بسم الله شریفی

### شناسنامه :

نام کتاب: مهر و جهیزیه ی زن در اسلام

مؤلف: بسم الله "شریفی"

ناشر: نهاد فرهنگی و اجتماعی مردم روشن ضمیر میهن

شماره گان: 1000 نسخه

زمان چاپ: بهار 1389 هـ ش

شماره همراه: 0700720953 - 0770002653

نشانی برقی: B\_sharefi@yahoo.com

## تقدیم به:

خواهران، برادران وفامیل های مومن  
که اسلام را سرمشق زندگی خویش  
قرار داده وبه خاطر اسلام آماده ی  
جان فشانی اند!

## فهرست مطالب

صفحات	عناوین
	پیشگفتار
	تقریظ از دکتور سید ابراهیم "حکمت"
	تقریظ از الحاج مولوی عبدالوکیل "آخذ زاده"
11	تعریف مهر
12	تاریخچه ی مهر "چهار مرحله اول آن"
13	مرحله ی پنجم "مهر در اسلام".
14	حکمت مهریه
14	یکی از فلسفه های مهر
16	مهر در قرآن
19	حکم مهر
21	اندازه و مقدار مهریه
23	اختلاف فقها در مورد کمترین مقدار مهر
26	ارزانی مهریه نشانی سعادت است

- 27 مهرزیاد وسنگین کراهیت دارد
- 28 کسی که ندادن مهر را نیت دارد زناکار است
- 29 پرداخت نکننده مهرخاین و دزد است
- 30 مهریه یک پشتوانه ی اجتماعی برای زن
- 32 مفاسد و عواقب ناگوار مهرزیاد
- 37 ثمره بالاتر بودن مهر از توان
- 37 گران کردن مهریه انگیزه هادارد
- 39 کم نکردن مهریه به بهانه ی آبروریزی
- 40 تذکر ضروری برای تقلیل مهریه
- 41 درمسأله ی مهر کوتاهی های وجود دارد
- 43 بجای نقد اموال منقول دادن
- 43 مهریه ی نقدی و مهریه مهلتی
- 47 نیت الزامی است نیت بعدی معتبر نیست
- 48 شرایط مهریه
- 50 معاشقه ی فرنگی از ازدواجش طبیعی تر است
- 51 تنها زن مالک مهر است و او نباید .....
- 52 قرآن رموز فطرت بشر را ....
- 54 مهر المثل
- 58 مهریه ی که ساقط میشود
- 59 باگرفتن مهریه دیگر حقوق زن از بین نمیرود
- 60 امتناع زوجه از تمکین تا گرفتن مهریه
- 62 مهریه مانع زکات نیست

- 63 ناتوانی زوج از پرداخت مهریه
- 64 جنایت زوجه برزوج
- 64 پس از عقد نکاح اظافه نمودن برمهر
- 65 خلوت
- 66 گزشت زن از مهریه هنگام مرض الموت
- 66 ازدواج کردن دختر صغیره با مهریه کمتر از...
- 67 مهریه ی حضرت فاطمه زهرا "ع"
- 70 مطالبه ی مهریه عیبی ندارد
- 70 نسبت به مهریه در عرب ها به چند صور...
- 72 چند مورد عمده از خلاصة المسائل
- 73 شیربها و شرایط آن

## فصل دوم جهیزیه

- 75 جهیزیه
- 76 رسیدن چیزی بدون سوال و تصور
- 77 نظر بعضی فقها در مورد جهیزیه
- 79 جهیزیه ی حضرت فاطمه زهرا
- 81 مفاسد جهیزیه ی مروج
- 82 خود نمایی در جهیزیه
- 87 پیام به خوهرا ن مسلمانم
- 90 منابع و مأخذ

## پیشگفتار:

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبی بعده.

برادران، خواهران و خوانندگان متدین و اسلام دوست! سپاس بیکران خالق مخلوقات را که توفیقش را شامل حالم نمود، درود پیامبر آخرالزمان محمد"ص" را که برای توضیح و تشریح دین مقدس اسلام تکالیف و زحمات را متقبل شده احکام اسلام را خودش، یاران پاک طینتش و پیروان راستین شریعتش در سراسر جهان گسترش داد.

بعد از ستایش و سپاس باید گفت: افضل ترین دین، دین اسلام بوده و بهترین شرایع، شریعت پیامبر اسلام یعنی حضرت محمد"ص" میباشد. دینی که همواره در تلاش اعزاز و اکرام بشریت است، دینی که قوانین طبیعت بشری به آن وفق دارد، دینی که نسبت به همه ادیان در مورد حقوق، ارزش و احترام زن بحث و نظر جامع و پسندیده دارد دین اسلام است.

من اعتقاد راسخ دارم که دانستن و عمل کردن به احکام اسلام انسان را از تمام گمراهی و فَلَاکت نجات داده و سبب رستگاری در دنیا و آخرت میشود، که یکی از آن احکام ازدواج است. به یقین ازدواج یکی از نیازهای طبیعی و اساسی بوده، دانستن طریقه و روش های نیک آن انسان مسلمان را درمورد، به سر منزل مقصود میرساند. در ازدواج موضوعات زیادی مورد بحث است، بنده تنها در دو مورد "مهریه" و

"جهیزیه" تلاش به خرج داده و از چندین منابع جهت تهیه ای این اثر امداد جسته ام.

چون اکثر فامیل ها مسائل شرعی مهر و جهیزیه را یانمیدانند و یادار نظر ندارند و در پرداخت آن گاهی دچار افراط و گاهی هم به تفریط مواجه میشوند. امید است که خوانندگان، موضوعات مطرح شده را با خانواده های شان در میان بگذارند. شاید بدین ترتیب گامی کوتاه اما مؤثر در جهت پرداخت مهریه و چگونگی آن، تهیه جهیزیه و... برداشته شده، از انحرافات و پیامدهای ناگوار بعدی نسل جوان کاسته شود. هدف از تحریر این رساله اداء کردن رسالت ایمانی و وجدانی در قبال مردم مسلمان و متدین اعم از خواهران و برادران بوده و متمنی ام مظلّم موجود در موارد مطروحه از میان رفته سبب خوشبختی جوانان و فامیل های بزرگوار گردد. فرجامین آرزویم از پروردگار لایزال، گشودن دروازه های خیر و رحمت، استقلال و آبادی، عطف و محبت برای مسلمانان جهان بوده و از بزرگان دین و خوانندگان نیز التجاء دارم که نه تنها بنده را از دعای خیر خویش فراموش نکنند بلکه کمی و کاستی در شیوه و تدوین این اثر را یاد داشت نموده و نگارنده را مطلع سازند.

با احترام

بسم الله "شریفی"

1388 هـ ش

## تقریظ:

نوشته آقای بسم الله "شریفی" را که زیر عنوان (مهر و جهیزیه زن در اسلام) است؛ مطالعه کردم. قلم سیال، عبارات سلیس و تنظیم فقرات و عنوانها قابل تقدیر است.

نویسنده در تفصیل موضوعات ریزه کاری خوبی کرده است، که نشانه ی یک ذهنیت با نظم و با منطق میتواند باشد، از مراجع و سرچشمه ها نیز استفاده ی به سزای نموده است. امید وارم این نوشته چاپ شده و به استفاده عموم مردم برسد چون شرایط و اوضاع جاری کشور طوری است که ذهنیت ها نسبت به شریعت اسلامی در بسا موارد به خصوص در قضایای مربوط به خانواده ( نکاح، طلاق، مهر و جهیزیه ) به سم پاشی های بسیار بی رحمانه روبرو هست، که این رساله روشنی ها و افاده های در مورد خواهد داشت. برای مؤلف جوان و متدین از خداوند (ج) صفای نیت، استقامت در عمل و گشایش در امور خواسته و چشم به راه تلاشها و تالیفات گوناگون وی در عرصه های مورد پژوهش و علاقه اش میباشیم.

با احترام  
داکتر سید ابراهیم حکمت  
رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
واستاد ثقافت اسلامی حقوق آریا

## تقریظ:

الحمد لله والصلوات والسلام على رسول الله وعلى آله  
واصحابه وسلم.

اما بعد:

بعد از تحقیق ومطالعه دریافتم که استفاده نمودن  
مسلمانان ازین رساله ( مَهْر و جیهیزیه ی زن در اسلام ) که  
توسط جوان پژوهشگر، مبارز ودین دوست یعنی بسم الله  
"شریفی" به تألیف رسیده است برای همه به ویژه برای  
خواهران جوان ما اعم از اهل تسنن و اهل تشیع ضروری است.  
حقیقتاً اندیشه وطرح برنامه های آقای شریفی برای ما در  
عرصه های کاری، نوشتاری ومطبوعاتیش قابل تایید بوده  
وسزاوار تقدیر وتحسین میباشد.

بناءً ً نصیحت من همین است که زندگی ما باید  
در همه عرصه ها مطابق دستورات اسلام باشد.  
یقیناً استفاده ازین کتاب نه تنها ضروری است بلکه  
باید همه مسلمانان در موارد مطروحه از آن استمداد جویند.

الحاج مولوی عبدالوکیل "آخذ زاده"

## بسم الله الرحمن الرحيم فصل اول

### تعریف مهر:

مهر کلمه ای است عربی و در فارسی آنرا کابین گویند. لغات مترادف آن در عربی: صداق، نخله، فریضه و اجر است. در قرآنکریم واژه ی مهر به کارنرفته، بلکه از لغات معادل آن استفاده شده است. مانند آیه چهار سوره النساء و آیه 24 همان سوره پس مبنای فقهی مهر در قرآن است [4].

درموردمعنی اصطلاحی مهر ازجانب فقها ودانشمندان اسلامی تعاریف متعدد ارایه شده است که قرار ذیل برخی از آنها بیان میگردد:

مهر عبارت از آن مالی است که در نتیجه ی عقدازدواج درعوض ملکیت استمتاع" نفع بردن" از زن بالای شوهر لازم می گردد که باید آنرا به زوجه بپردازد.

عده ی دیگری از فقهای اسلامی را عقیده بر آنست که مهر برعکس، عوض ویابدل ملکیت زوج در امر استمتاع از زوجه وضع نشده، بلکه هدف از مشروعیت مهر درواقع اظهار کرامت وشرافت عقد ازدواج است.

بعضی ازدانشمندان حقوق میگویند: مهر عبارت ازآن مالی است که اعطای عاجل ویا مؤجل آن از طرف زوج به

زوجه وقتی لازم می‌گردد که زوجه تحت نکاح صحیح ویا مدخول بهای حقیقی او قرار گیرد[5].

## تاریخچه ی مهر "چهار مرحله ی اول آن"

در ادوار مختلف مهر و چگونگی پرداخت مهر مراحل گوناگون خود را طی نموده است. روی این حساب، در مراحل اولیه مرد به عنوان طفیلی زن زندگی میکرد و خدمتگار زن بود، درین دوره زن بر مرد حکومت میکرده است. در مرحله بعد که حکومت بدست مرد افتاد مرد زن را از قبیله ی دیگری میربوده(دزدی) میکرده است. در مرحله سوم مرد برای اینکه زن را به چنگ آورد به خانه پدر زن میرفته سالها برای او کار میکرد. در مرحله چهارم مرد مبلغی به عنوان(پیشکش) تقدیم پدر زن میکرده است و رسم مهر از اینجا ناشی شده است.

میگویند: مرد از آن وقتی که سیستم(مادر شاهی) یعنی مراحل اولیه را ساقط کرد و سیستم(پدر شاهی) را تأسیس نمود زن را در حکم برده و لا اقل در حکم اجیر و مزدور خویش قرار داد وبا او به چشم یک ابزار اقتصادی که احياناً شهوت اورا نیز تسکین میداد نگاه میکرد. به زن استقلال اجتماعی نمی داد، محصول کارها وزحمات زن متعلق به دیگری یعنی پدر یا شوهر بود. زن حق نداشت به اراده ی

خود شوهر انتخاب کند و با اراده ی خود و برای خود فعالیت اقتصادی و مالی داشته باشد و در حقیقت پولی که مرد به عنوان مهر میداده و مخارجی که به عنوان نفقه میکرده است در مقابل بهره ی اقتصادی بوده که از زن در ایام زنا شوهری میبرده است [6].

## مرحله ی پنجم "مهر در اسلام"

درین مرحله مرد هنگام ازدواج یک (پیشکش) تقدیم خود زن میکند و هیچیک از والدین حق به آن پیشکشی ندارد زن در عین اینکه از مرد پیشکشی دریافت میدارد. استقلال اجتماعی و اقتصادی خود را حفظ میکند اولاً با راده خود شوهر انتخاب میکند... ثانیاً در مدتی که در خانه پدر است همچنین در مدتی که به خانه شوهر میرود کسی حق ندارد او را به خدمت خود بگمارد و استثمار کند [6].

زن در دوران جاهلیت مورد بی مهری قرار گرفته و حق تملک و احترام وی مراعات نمی شد.

اسلام تمام جوانب وی را مراعات کرده و احترام او را در نظر گرفته و به وی حق تملک داده است. در صورتیکه در دوره جاهلیت (قبل از اسلام) ولی و سرپرست زن در مال خالص او تصرف میکرد. و به وی فرصت تملک و تصرف در مال خود نمی داد [7].

این مرحله "مرحله پنجم" همان است که اسلام آنرا پذیرفته و زنا شویی را بر این اساس بنیان نهاده است در قرآن کریم آیات زیادی هست در باره ی اینکه مهر زن به خود زن تعلق دارد نه به دیگری، مرد باید در تمام مدت زنا شوهری عهده دار تأمین مخارج زندگی زن بشود و در عین حال در آمد ی که زن تحصیل میکند و نتیجه کار او به شخص خودش تعلق دارد، نه به دیگری [6].

## حکمت مهریه

در نکاح تعیین مهر الزامی شده تا شوهر هنگام گسستن رابطه ی زنا شویی و سوء استفاده از اختیار طلاق، کمی از پرداخت مهریه واهمه داشته باشد و بدون ضرورت شدید و ناچاری جرأت به چنین کاری نکند. پس مهریه عامل استحکام و دوام زنا شویی است و جدا کننده ی نکاح از زنا می باشد به همین علت از مراسم قبل از اسلام و جوب مهریه را پیامبر "ص" در اسلام هم ابقاً فرمودند و منسوخ نکردند [8].

## یکی از فلسفه های مهر

مهریه دارای فلسفه های گوناگونی بوده است که یکی از آن ذیلاً بیان میگردد:

هدیه و پیشکش که شوهر به عنوان مهر(صداق) به زن می دهد در حقیقت وسیله ی برای مطمئن ساختن زن به صفای قلبی خویش و پا سخی مثبت و صمیمانه به پیشنهاد عشق اوست.

مرد با چنین هدیه ی می خواهد به زن بگوید: طالب و خواستار توام. تورا با همه ی وجود دوست دارم، به عشق و رزی تو احترام می گزارم صدق و صفای تو را ارج می نهم، با خاطر آسوده سرگرم زندگی باشی، کانون خانواده گی را با عشق و محبت گرم و با صفا نگهدار، به تر بیت صحیح و سالم فرزندان و تحویل درست آن ها به جامعه اقدام کن.

بدین سان مهریه یک نوع احترام و اکرام نسبت به مقام والای زن است و اگر مهر بر این اساس توجیه شود وسیله ای خوب برای ایجاد مهر و محبت بین زوجین و عاملی قوی برای الفت است[9].

غرض از لزوم مهر اظهار ارزش و اهمیت عقد نکاح و از طرفی دیگر موجب اعزاز و اکرام زن است.

واژ زاویه ی دیگر زوج جهت اثبات حسن نیت و قصد آغاز یک زندگی مشترک خوشبخت و سعادت مند و برای اظهار محبت و عواطف درونی اش بخشی از دارائی اش را تقدیم می نماید تا زن اعتماد بیشتر پیدا نموده و با ین مهریه ما حتاج خود را جهت آماده گی آغاز زندگی نوین فراهم نماید[10].

## مهر در قرآن

کلام خداوند "قرآن" رسم و رواج ادوار جاهلیت و قبل از اسلام را در مورد مهر منسوخ نموده و چنین فرموده است:

1- ( وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيَّةً ) (1: النساء، 4).

ترجمه: مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر به آن ها بدهید ، پس اگر پاره ی از آن را به رضایت به شما بخشیدند بر خوردار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود.

2- و همچنان در سورة بقره آیه "236—237 بیان شده است که: {الْأَنْحَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَتَعَوَّهْنَ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمَقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ\* وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ الزَّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ}.

ترجمه: باکی بر شما نیست، اگر زنانی را که به آن ها نزدیکی نکرده اید و مهری برایشان مقرر نداشته اید طلاق دهید ولی

آنها را به چیز در خور بهره مند سازید. توانگر به قدر توانش و نا دار به قدر توانش. این کاریست شایسته ی نیکوکاران. و اگر بر ایشان مهری مقرر کرده اید و پیش از نزدیکی طلاق شان دادید، نصف آنچه مقرر کرده اید به آنها به پردازید. مگر آنکه ایشان خود یا کسی که عقد نکاح بدست اوست آن را به بخشد و بخشیدن شما به پرهیز گاری نزدیک تر است. و فضیلت های که در نیکویی به یک دیگر است فراموش مکنید و خداوند "ج" به کار های که میکنید آگاه است.

3- درین آیت شریف از ظلم و تعدیات گوناگونی که اهل جاهلیت بر زنان روا میداشتند نهی میشود. یکی از آنجمله این بود که اگر کسی می مُرد ، پسر اندر یا برادر اندر یا وارث دیگر او، زنش را به تصرف خود می آورد یا با وی نکاح میکرد یا بدون نکاح درخانه ی خویش نگه می داشت یا بدیگری میداد و تمام مهر یا قسمتی از آن را به خود می ستانید یا مدت العمر زن را نگهداشت تا وارث مال او میگرددید. بناً این آیت شریف فرود آمد:

{ يا ايها الذين آمنوا لا يحل لكم أن ترثوا النساء كرهاً ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن الا أن یأتین بفاحشة مبینة وعاثروهن بالمعروف فإن کرهتموهن فعسی أن تکرهوا شیاً ویجعل الله فیہ خیراً کثیراً}[1]: النساء19].

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید شما را حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به ارث ببرید، وبرزنان سختگیری و بهانه جویی نکنید که قسمتی از آنچه را که به آنها داده اید باز پس ستانید مگر آنکه عمل زشتی و مخالفتی از آنها آشکار شود، و با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیز های که شما را از آن خوش نمی آید درحالیکه خدا "ج" خیری کثیری در آن نهاده باشد.

4- {وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ۚ وَكَفَى تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنُ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا} [1:النساء، 20- 21].

ترجمه: اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آنرا نگیرید، آ یا برای باز پس گرفتن (مهرزنان) متوسل به گناه و تهمت میشوید؟ چگونه آن (مهر) را باز پس میگیرید. درحالیکه با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید و همسران شما پیمان محکمی به هنگام عقد ازدواج از شما گرفته اند.

## حکم مهر

بالای شوهر واجب است که برای خانمش مهر بپردازد و این حکم به قرآن، سنت، اجماع و عقل ثابت شده است.

1- (وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا) [1: سورة النساء، 4].

ترجمه: و مهر زنان را (بطور کامل) به عنوان یک عطیه ی الهی به آنان بپردازید ولی اگر آنها چیزی از آن را بارضایت خاطر به شما بخشیدند، حلال و گوارا مصرف کنید.

2- {وَاحِلْ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَالِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...} [1: النساء آیت 24].

ترجمه: و حلال کرده شده بشما ماسوای زنان مذکور بشرطی که طلب کنید به مال های تان در قدر نکاح آورندگان نه زنا کننده گان. پس کسیکه کام گرفتید به او از زنان پس بدهید به ایشان مهر شان را که مقرر کرده شده است.

3- در مورد وجوب و پرداخت آن از طرف مرد طریقه و روش ناجی بشریت است. چون پیامبر اسلام "ص" هیچ از دواجی را بدون مهر انجام نداده اند و اگر واجب نمی بود یک مرتبه آن را نادیده می گرفتند تا دلیل عدم وجوب آن می شد.

4- همه مسلمانان بر مشروعیت مهرتوافق دارند: زیرا از زمان صحابه ی کرام تاکنون کسی به این امر مخالفت ندارد.

5- عقل سالم بشری نیز بروجوب مهر دلالت دارد زیرا اگر ازدواج بدون مهر مباح میبود سبب ابتذال زنان و انحطاط قدر و منزلت آنان میگردید و بسا اوقات موجب ازاله ی پیوند نکاح میشد [11].

علامه کاسانی (ره) درین مورد چنین میگوید:

تشریع نکاح صرفا بخاطر ذات نکاح نیست بلکه مقاصد دیگری را مد نظر دارد، که جز با ادامه ازدواج بدست نمی آید و دوام آن نیز پایدار نخواهد بود، مگر به وسیله ی وجوب مهر یه به خاطر آنکه زوج را از اعمال خشونت باز دارد.

وچنانچه در موقع عقد مهر واجب نمی شد مرد با کمترین خشونت که بین آن دو پیش می آمد رابطه ی زوجیت را باهم میزد چون برای او گران تمام نمی شد. و در نتیجه مقاصد مطلوب نکاح حاصل نمی گشت. و بدیهی است که مصالح و اهداف نکاح جز با موافقت بدست نمی آید و موافقت هم فقط در صورت دوست داشتن و گرامی داشت زن حاصل می شد. و آن

هم صرفاً بادر نظر گرفتن مالی است که در نزد مرد اهمیت داشته باشد تا بدینوسیله زن را تصاحب کند. زیرا چیزیکه راه وصول به آن سخت باشد درانظار عزیز جلوه میکند. پس نگهداری آن هم عزیز می باشد. و چیزیکه طریق رسیدن به آن آسان باشد سبک به نظر می رسد و در نتیجه نگهداری و حفظ آن هم سبک، روی این اصل اگر زن در نظر مرد سبک باشد موجبات وحشت زن فراهم گشته و با الطبع سبب بروز مخالفت می گردد، و بلاخره مقاصد نکاح حاصل نمی شود.

و گروهی گویند که مهریه هدیه است حتمی که شوهر باید به همسرش بپردازد و این هدیه برای تقرب قلوب و اظهار مودت و اخلاص شوهر باشد و ازین رهگذر است که پیامبر اسلام(ص)حضرت علی"رض" را از رفتن پیش حضرت فاطمه"رض" بازداشت تا چیزی از مهریه را به او بدهد[10].

## اندازه و مقدار مهریه

با توجه با اینکه از حیث فقر و غنی و گشایش زندگی و تنگی معیشت، مردم باهم متفاوتند و هر منطقه و ناحیه ای رسوم، عادات و آداب ویژه ی دارند، شریعت اسلام برای حد اقل وحد اکثر مهریه میزانی را معین نکرده است. و میزان آن را به تشخیص توان و امکانات و عرف و عادات مردم و اگذار کرده است تا هر کس بر حسب توان و امکانات و عادات خود

آن را معین و مقرر دارد. در نصوص دینی تنها چیزیکه بدان اشاره شده است آنست که باید مهریه چیزی باشد که دارای قیمت و ارزش است.

و نیز در قانون مدنی افغانستان ماده 100 در مورد بیان شده است که: مال قابل تملک مهر تعیین شده میتواند [12].

عامر بن ربیعہ گوید: زنی از بنی فزاره مهریه خویش را یک جفت نعلین قرار داد پیامبر "ص" گفت: {ارضیت عن نفسک ومالک بنعلین؟} فقلت نعم فاجازه

ترجمه: آیا راضی هستی بدینکار که ملک شما یک جفت نعلین باشد و تمتع از نفس خود را بدو واگذاری؟ گفت، آری. پس پیامبر "ص" آن را درست دانست. (فقه السنه)

از انس "رض" روایت است که ابو طلحه از ام سلیم خواستگاری کرد. ام سلیم گفت: مثل ترا نمی توان جواب رد داد: ولی تو کافر و من مسلمان هستم و برای من حلال نیست که با تو ازدواج کنم. اگر مسلمان شوی همین مسلمان شدنت مهریه ام باشد و غیر از آن چیزی از تو نمی خواهم و او مسلمان شد و مهریه اش مسلمان شدن ابو طلحه بود.

## اختلاف فقها در مورد کمترین مقدار مهر

**1- مالکی ها** به این نظر اند که اندازه کمترین آن ربع دینار و یا سه درهم می باشد. زیرا لزوم مهر برای اظهار کرامت و شخصیت زن بوده پس از حد نصاب سرقت کمتر نمی باشد. چون نصاب سرقت که دست دزد به آن بریده میشود نزد ایشان اندازه مبلغ ذکر شده است.

پس اندازه کمترین مهر از ربع دینار و یا سه درهم شرعی کمتر شده نمیتواند هرگاه ازدواجی کمتر از آن صورت گیرد. مقدار آن را پوره و یا هم نکاح فسخ شود و هر چه بعد از دخول تکمیل مهر ضروری است.

**2- مذهب حنفی** مقدار کمترین مهر را یک دینار و یا ده درهم شرعی تعیین کرده است. و ایشان استدلال به آیه و حدیث و قیاس دارند:

الف: خداوند "ج" فرموده است: {قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا} [1: احزاب، آیه 50].

ترجمه: هر آینه دانستیم آنچه فرض ساخته ایم برایشان در حق زنان شان و در حق کنیزکانی که مالک آنست دست های ایشان تا نباشد بر تو هیچ تنگی و هست خداوند "ج" آمرزنده ومهربان.

وجه استدلال: در آیه قرآنی کلمه فرضنا بمعنی قدرنا است. و در حدیث شریف مقدار و اندازه آن را معین کرده است. چون به روایت جابر "رض" از رسول الله "ص" روایت شده: (لا مهر دون عشرة دراهم) مهر کمتر از ده درهم نمی باشد. ب: مهر برای زن بالای شوهر در مقابل ثبوت ملکیت بضعه واجب میشود. و آن یک عضو است، دست نیز یک عضو دیگری می باشد. هرگاه کسی مالی را سرقت نماید که قیمت آن به ده درهم شرعی برسد دست سارق درمقابل آن بریده میشود، نه در کمتر از آن، پس مهر نیز کمتر از ده درهم شده نمیتواند.

### 3- مذ هب شافعیه و حنابله:

نظر ایشان این است: که اندازه کمترین مهر مانند حد نهائی آن تعیین نگردیده است. بلکه مفوض به توافق طرفین می باشد. و هر آنچه که صلاحیت ثمن مبیعه را دارا باشد. پس همان شی مهر شده میتواند چون در نصوص قرآنی و احادیث نبوی تصریح به حد پائین آن نشده است.

**الف:** خداوند "ج" فرموده: (واحد لکم ما وراء ذالکم أن تبغوا باموالکم محصنین غیر مسافحین...) [1:سوره النسا آیه 24].

ترجمه: و حلال کرده شده شما را ماسوای این (محرمات) که طلب نکاح کنید به اموال خویش عفت طلب کنندگان نه به شهوت رانی.

**ب:** در حدیث طویل چنین آمده است: (التمس ولو خاتما من حديد) ترجمه: جستجوی بکن هر چند انگشتی آهنی باشد.

**ج:** (عن جابر بن عبدالله أن النبی "ص" قال: من اعطى فى صداق امرأة ملاً كفيه سويقاً أو تمرّاً فقد استحل). ترجمه: از جابر پسر عبدالله روایت است که رسول الله "ص" فرمودند: کسی که در مهر زنی به اندازه ی پوری دوکفش آرد و یا خرما بدهد یقیناً برای خود حلال گردانیده است [11].

#### 4- جعفریها:

**الف:** محمد بن مسلم از امام صادق (رض) نقل می کند که: کمترین مقدار کافی از مهر چقدر است فرمود: یک کله قند.

**ب:** فضیل بن یسار به نقل از امام باقر میگوید: صداق همان مقدار کم یا زیادی است که دو طرف بر آن سازش کنند [13].

## ارزانی مهریه نشانه سعادت زن است

در روایات بیشمار پیامبر اکرم "ص" ارزانی و اندک بودن مهریه را از نشانه های سعادت و خوشبختی زن شمار نموده اند. اینک پاره از آن ها بیان میشود پیامبر اکرم "ص" فرمودند: { یمن المرأة خفة مهرها ویسر نکاحها و حسن خلقها و شوم المرأة غلا ومهرها و عسر نکاحها و سوء خلقهم }.

ترجمه: از نشانه های خوشبختی و سعادت زن ارزانی مهر و آسانی نکاح ( مخارج جشن عروسی ) و نیکویی اخلاق اوست.

آن حضرت "ص" در فرازی دیگری اُمت را چنین اشاره می نماید: ( إن أعظم النساء بركة ایسرهن مؤنة ) ترجمه: بهترین زنان آنست که مهریه ی شان ارزان و اندک باشد.

باتوجه به ارشادات فوق پیامبر اسلام "ص" سعادت و برکت و خیر را در وجود زنانی میداند که در باب مهریه، مهریه های گزاف و کمر شکن تعیین ننمایند و در مخارج جشن عروسی اسراف و زیاده روی نکنند. ولی باز هم راه برای تعیین مقدار مهریه برای خانواده ها باز است و تعیین مقدار مهریه در اختیار خانواده ها است. و خانواده هائیکه از توان مالی خوبی

بر خوردار هستند و قدرت پرداخت مهریه و مخارج ازدواج را دارند. این اجازه را دارند که مهریه های خود را برابر با توان مالی خود تعیین نمایند.

ولی در هر حال خویش را مقید نمودن به فرامین دین مبین اسلام بیا نگر بلوغ عقلانی و پابندی انسان به احکام الهی است [10].

## مهر زیاد و سنگین کراهت دارد

اسلام می خواهد فرصت ازدواج برای افراد، و زن مرد بیشتری از جامعه فراهم گردد تا همه از لذت جنسی حلال، پاک و تاسیس خانواده برخوردار گردند.

و این وقتی به کمال میرسد که راه ازدواج و وسیله آن آسان و سهل و ساده و در امکان هم باشد. بگونه ای که فقیران و تنگدستان که قسمت اکثریت جامعه ی امروزی را تشکیل می دهند و توانایی پرداخت مبالغ سنگین را ندارند از عهده آن بر آیند و توانایی مالی آن را داشته باشند، لذا اسلام مهریه های سنگین و فراوان را مکروه میداند و خبر داده است که هر چه مهریه اندک تر باشد ازدواج مبارکتر و با فضیلت تر است. چنانچه پیامبر "ص" فرموده است: با برکت ترین نکاح، نکاحی است که هزینه و زحمت آن کمتر و آسان تر باشد.

و همچنان در جای دیگر فرموده است: مبارکی و میمنت زن کم بودن مهریه و آسان بودن نکاح و نیکو سیرتی و خوش اخلاقی اوست و نا میمونی و نا مبارکی زن سنگینی مهریه و دشواری نکاح و بد اخلاقی اوست [7].

متأسفانه بیشتر مردم جوامع امروزی این تعالیم با ارزش را در نظر ناگرفته از آن تجاوز میکنند. و عادات و رسم و رواج دوره جاهلی را پیش گرفته و مهر را سنگین می گیرند. و تا مبالغی سنگین و کمر شکن و لوکه آن را قرض نماید از جانب زوج پرداخت نشود با انجام ازدواج مبادرت نمی کنند. این مخارج زیاد سبب گردیده است که مردان و زنان بیشتر در بحران و دشواری ازدواج بوده و زیان بینند و این راهی است که بار آورنده ی فساد و بد اخلاقی ها در اجتماع شده دسترسی به حلال را نسبت به حرام به مراتب مشکلتر ساخته است.

## کسی که ندادن مهر را نیت دارد زنا کار است

1- مهریه را چیزی سطحی دانستن و بدل نیت عدم پرداخت مهریه را کردن زشت و بد هست. که در حدیث تهدید به عذاب شده است.

در کنز العمال و بیهقی حدیثی است که رسول اکرم "ص" فرمودند: هر کسی با زن عقد بست و مهریه را تعیین نکرد و در دل تصمیم داشته باشد که همه آنرا یا قسمت را از آن نخواهد پرداخت او زانی می میرد و در حضور حق تعالی به عنوان زنا کار احضار خواهد شد.

2 – فضیل بن یسار به نقل از امام صادق "ره" در باره مردی خبر داده که با زنی ازدواج میکند و در نظر ندارد مهر به او به پردازد. که درین صورت زنا خواهد بود [13].

## پرداخت نکننده مهریه خائن و دزد است

در ادامه حدیث شریف اولی اضافه شده که کسی کالانی باوام خرید و نیت پرداخت قیمت آنرا ندارد یا کسی قرض گرفت و تصمیم دارد که پس ندهد این شخص به هنگام مرگ و روز قیامت در ردیف خائنان و دزدان خواهد بود. و این هم روشن است که مهریه نوعی از وام است. پس اگر نیت ندادن داشته باشد طبق این قسمت از حدیث: (و من ادا دینا ینوی ان لایقضیه فهو سارق) او از خائنان و دزدان خواهد بود، در نتیجه چنین فردی در پرونده دو جرم محاکمه خواهد شد. یک جرم زنا و دیگر آن خیانت و سرقت. پس چرا ما جوانان مان را در آغاز زندگی مشترک شان با تعیین نمودن مهریه های

گزاف که اغلب قصد پرداخت آنرا ندارند و در واقع توان پرداخت آنرا ندارد آلوده به گناه نمائیم.

## مهر یک پشتمانه اجتماعی برای زن

در عصر جاهلیت نظر به اینکه برای زنان ارزشی قائل نبودند غالباً مهر را که حق مسلم زن بود در اختیار اولیای او قرار می دادند، و آنرا ملک مسلم آن ها می دانستند گاهی نیز مهر یک زن را ازدواج زن دیگر قرار میدادند به اینگونه که مثلاً برادر خواهر خود را به ازدواج دیگری در میآورد که او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواج وی در آورد. (که اکنون نیز در بعضی مناطق بدون در نظر داشت مسایل شرعی این قسم تعامل بر قرار میگردد) ومهر این دوزن همین بود. اسلام به تمام این رسوم خط بطلان کشید و مهر را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داد.

اکنون این سوال پیش می آید که مرد و زن هر دو از ازدواج و زنا شونی بطور یک سان بهره میگیرند و پیوند زنا شونی پیوندی است بر اساس منافع متقابل، با این حال چه دلیل دارد که مرد مبلغ کمی یا زیادی به عنوان مهر به زنپردازد؟ و آنگاه آیا این موضوع به شخصیت زن لطمه نمی زند و شکل خرید و فروش به ازدواج نمی دهد ؟

روی همین جهات است که بعضی به شدت با مسئله ی مهر مخالفت می کنند.

مخصوصاً معمول نبودن مهر در میان غربیها برای غرب زده ها به این فکر دامن می زند، در حالیکه نه تنها حذف مهر به شخصیت زن نمی افزاید بلکه وضع او را به مخاطره می افکند. توضیح اینکه: درست است که مرد وزن هر دو از زندگی زنا شویی بطور یکسان سود میبرند، و لی نمی توان انکار کرد که در صورت جدائی زن و مرد، زن متحمل خسارت بیشتری خواهد شد:

اولاً مرد طبق استعداد خاص بدنی معمولاً در اجتماع نفوذ و تسلط بیشتری دارد و هر چند بعضی می خواهد به هنگام سخن گفتن این حقیقت روشن را انکار کند اما وضع زندگی اجتماعی بشر که به چشم می بینیم حتی در جوامع اروپائی که زنان به اصطلاح از آزادی کامل بر خوردار اند نشان می دهد که ابتکار اعمال پر در آمد بیشتر در دست مردان است.

به علاوه مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند.

ولی زنان بیوه مخصوصاً با گذشت قسمتی از عمر آنها و از دست رفتن سرمایه ی جوانی و زیبایی ، امکانات شان برای رسیدن به همسر جدید کمتر است [3].

## مفاسد و عواقب ناگوار مهر زیاد

در بالا بردن مهر ضرر و مفاسد ناگوار مادی و دنیوی زیادی نهفته است که ما میتوانیم باتعمق به چشم سر دیده و درک کنیم که به برخی از آنها اشاره می شود:

1- بخاطر گرانی و سنگینی مهریه ها بعضی از جوانان اندیشه از ازدواج را از سر بیرون کرده اند زیرا که توان پرداخت مهر را ندارد و به همین خاطر از ازدواج گریزان هستند و این بی رغبتی و فرار آنان از ازدواج از نظر اسلامی کار نا درست و مردود و خلاف سنت است. و پیامبر اکرم "ص" فرمودند: (النکاح من سنتی فمن لم يعمل بسنتی فلیس منی).

ترجمه : نکاح از سنت من است و هر کسی که به سنت من عمل نکند از من نیست.

2 - برخی از جوانانیکه توان تهیه و تامین مخارج عروسی و پرداخت مهریه را ندارند و دارای ایمان ضعیف بوده از مفاهیم صحیح اسلامی آشنائی چندانی ندارند و در راستائی ارضای غریزه ی خود به کار های گوناگون که بر خلاف شؤنات دینی، اخلاقی و اجتماعی از قبیل اذیت و آزار دختران،

چشم چرانی ... دست می زنند و اینگونه اعمال جامعه را به فساد و تباهی می کشاند که نه تنها پسران نابود می شوند بلکه دختران نیز در ورطه ی هلاکت گرفتار می آیند. زیرا همان گونه که مرد نیاز مند زن است، زن نیز به همان میزان به مرد نیاز دارد و هر جوانیکه ازدواج نکند در مقابل او حد اقل یک دختر قرار دارد که بخاطر گرانی مهریه این هردو- پسر و دختر- بی زوج می مانند و بخاطر شرایط سنی بحرانی، آماده گی ارتکاب هر گونه گناهی را خواهند داشت، و خدای نکرده در صورت ارتکاب و شیوع آن در جامعه، طبیعی است که جامعه به سوی هلاکت و نابودی خواهد رفت و اینگونه گنا هـان دنیا و آخرت جوانان مارا نابود می سازند.

3- گروهی از جوانان زیر فشار غرایز پرجوش جنسی که ارضای آنها از راه درست و صحیح (ازدواج) امکان پذیر نیست به امراض گوناگون روانی از قبیل افسرده گی، عزلت گزینی، سکوت و خاموشی و .... گرفتار می آیند. و سرانجام این مسایل آن هارا به سوی یأس و نا امیدی سوق میدهد، که اولاً خود نا امیدی گناه بوده و از عوامل موثر نابودی است و ثانیاً عواقب ناگواری را در پی خواهد داشت.

4- بر خی دیگر از جوانان در مقابل فشار های غریزه ی جنسی تاب نیاورده و در دام بیماری مهلک استمنأ "جلق و دفع منی" گرفتار می آیند. که این عمل از دیدگاه اسلام عمل زشت و گناه می باشد و- کسانی که با گران کردن ازدواج و مهریه-

سبب ایجاد چنین اعمال می شود یعنی والدین که مهریه ها را گران و هزینه های ازدواج را سنگین می کنند در گناه شریک می شوند.

قال عمر بن الخطاب "رض": (زوجوا اولادکم اذابلغوا ولا تحملوا ثمهم). ترجمه: حضرت عمر "رض" فرمودند: وقتیکه فرزندان تان به سن بلوغ می رسند ازدواج شان بدهید و گناه های شانرا بدوش نکشید.

و پیامبر "ص" فرمودند: (ناکح الید ملعون).

یعنی کسیکه عمل استمناء (جلق) را انجام بدهد ملعون است. قطع نظر از عذاب و مجازات اخروی این عمل در این دنیا نیز اثرات مخرب و زیانباری به روی فکر، اندیشه، روح، روان و جسم و جان جوانان برجای میگذارد.

5 - می توان گفت یکی دیگر از اثرات زیانبار گرانی مهریه ها بوجود آمدن روابط نامشروع در میان پسران و دختران است. که این خود یکی از عوامل مهلک جوامع بشری است.

زیرا که از یک طرف این کار موجب بروز بیماری های خطرناکی از قبیل ایدز، سفلیس، سوزاک و ... می شود و هر کدام از بیماری های فوق در صورت شیوع برای نابودی جامعه کافی میباشند و از طرف دیگر این عمل منجر به تولد فرزندان نامشروع می گردد.

که این خود معضلی حل ناشدنی و برای جامعه خیلی خطرناک و زیانبار می باشد. و از زاویه ی دیگر اینگونه اعمال سبب می شوند که آبرو و حیثیت بعضی از خانواده ها از بین رفته و لکه ی ننگی جاویدانه بر دامن آن خانواده ها بنشیند که هرگز زوده نخواهد شد و با هیچ ماده پاک کننده ای زایل نمی گردد.

6- یکی دیگر از آثار زیانبار گرانی مهریه روی آوردن بعضی به بیماری مهلک همجنس گرانی است و همجنس گرانی چه از ناحیه ی مردان و چه از ناحیه ی زنان عاملی مؤثر در نابودی جامعه و گرفتار آمدن جامعه در دام هلاکت و نابودی است. و عذاب اخروی آن را فقط خداوند "ج" میداند که چقدر است؟!

و پیامبر اکرم "ص" همجنس گرانی و مصروف شدن مردان به مردان و زنان به زنان را یکی از علایم قیامت اعلام کرده است.

و پیامبر "ص" در روایتی فرموده اند: ( ان اخوف ما اخاف علی امتی عمل قوم لوط ).

ترجمه: بیشترین خوفی که بر امت خویش دارم- ارتکاب- به عمل قوم لوط است.

پیامبر اکرم "ص" در فرازی دیگر ی فرمودند: (من وجد تموه یعمل عمل قوم لوط فا قتلوا الفاعل والمفعول به) .

ترجمه: هر کسی را که عمل قوم لوط - همجنس گرانی و لواطت- را انجام می دهد یافتید فاعل و مفعول هر دو را بکشید.

7- گرانی مهریه منجر به فرار دختران و پسران از فامیل و جدا شدن آنها از خویشاوندان و اقارب میشود که بوسیله فرار "گریختن" دختران دشمنی های وافر و خون ریزی های زیاد در جامعه بوجود آمده که گاهی این امر سبب هلاکت و بربادی طرفین گردیده و عواقب خطرناکی را در قبال دارد.

8- و نکته ی که نباید آن را از نظر دور داشت اینکه اغلب جوانان تامدت زیادی که ازدواج نکنند. بخاطر بروز جوشهای جوانی پوست صورت آنها خراب می شود و این هم از اثر زیانبار گرانی مهریه ها است.

خلاصه اینکه گرانی مهریه ها که برابر است باترک ازدواج، عواقب ناگوار فوق الذکر و دیگر عواقبی که بیان آن ها درین مبحث نمی گنجد را در پی خواهد داشت. بنابر این می طلبد که والدین بزرگوار نیک ببند یشند و از گران کردن مهریه و هزینه های ازدواج و عروسی پرهیز نمایند. باشد تا ازدواج امری سهل الوصول و آسانی گردد و جوانان بامیل و رغبت کامل خود به آن روی بیاورند و در دنیا و آخرت رستگار و کامرواشوند.

می توان ارتباط گرانی مهریه را با ارتکاب جرایم و پدید آمدن مسایل ناگوار دیگر چنین ترسیم کنیم:

گرانی مهریه = روی گردانی از ازدواج = ارتکاب جرایم و بروز عواقب ناگوار = تباهی و هلاکت جامعه.

## ثمره بالا تر بودن مهریه از توان

خیلی جا ها پس از طلاق یا مرگ زن بخاطر مهریه بین شوهر و بستگان زن مجادله و مشاجره پیش می آید. و چون مقدار مهریه به هزاران و ملیون ها می رسد بنا بر این کل دارائی شوهر فدای آن میشود در نتیجه شوهر یا بستگانش برای تکه ای نان شبانه روزی نیازمند میشوند. درد دنیا رانده از آخرت مانده قرار می گیرند.

## گران کردن مهریه انگیزه هادارد

افراد در بالا بردن ارقام و عناوین مهریه انگیزه های گوناگون دارند که به بعضی از آن ها ذیلا اشاره میشود:

1- می توان گفت که یکی از عوامل ازدیاد مهریه جهل مردم از دین و ازخاطر بردن اهداف والای ازدواج از قبیل توالد و تناسل، عفت، آسایش و آرامش جامعه سالم و به دور از هر گونه بزهکاری و... راکه دین از ازدواج در نظر دارد. می باشد و این جهالت موجب شده است که مردم خویشتن را در

مظاهر فریبنده ی دنیوی غرق نموده و به آن اهداف مقدس بی اعتناً باشند.

2 - هر چند که بعضی از مردم از قوانین دین اسلام خبر دارند ولی بخاطر همگامی با عرف ظالم و ترس از طعنه- ریشخند - مردم و تقلید کور کورانه به چنین کاری ستمگرانه دست می زنند. ولی مسلمانان راستین به مصداق آیه ( ولا یخافون فی الله لومة لا اثم).

ترجمه: .....از سرزنش و ملامت ملامتگران هر اسی ندارند.  
3 - و عامل دیگر در این راستا عدم اعتماد به شوهر آینده می باشد که برخی می پندارند بامهریه های زیاد میتوانند زوج را تحت فرمان خود در آورده و او را از کارهای از قبیل ازدواج مجدد و یا بی مهری نسبت به زن و .... باز دارند.

4 - و بعضاً بخاطر بی دیانتی و بد اخلاقی زن به چنین کاری دست می زنند تا در صورت بروز چنین حالتی شوهر نتواند اقدام به طلاق نماید. و در طول حیات ناکام خویش بسوزد و بسازد. اما این ها راه و چاره نیست زیرا که نه تنها مهریه ی گزاف عامل بازدارنده نمی باشد. چه بسا در بسیاری از موارد مردان زنان خود را تحت شکنجه و آزار های روحی و جسمی قرار داده اند تا از مهریه ی خویش صرف نظر نموده و تقاضای طلاق نماید و یا اینکه زن را با تمام آرزو هایش رها کرده و خود، زندگی جدید تشکیل داده و به عیش و عشرت مشغول شده اند.

5 - می توان گفت که حُب جاه، تفاخر، تظاهر و بزرگ نمایی در میان مردم یکی دیگر از عوامل موثر و اساسی در سنگینی مهریه ها است تاوانمود نمایند که از چنین خانواده معظم و معززی هستند که مهریه ی دخترانشان این مقدار است. بناء ما نباید طالب شهرت شده بلکه طالب سعادت شویم و سعادت در گرو مهریه ی زیاد نیست. بلکه سعادت را در دین، اخلاق نیکو، توافق و محبت طرفین جستجو نمایید[10].

## کم نکردن مهریه به بهانه ی آبروریزی

عده ای مدعی هستند که قلت مهریه ذلت و آبروریزی است و کثرت مهریه عزت و مقام ، باید دانست که هر قلت که از درجه ی اعتدال خارج نباشد ذلت نیست. و کثرت مهریه به فرض اینکه یک مصلحت وجود داشته باشد. اما در کنار این همه مفاسد و ضرر آیا این یک مصلحت ارزش دنبال رفتنش را دارد؟ علاوه بر این اگر در کنار تظاهر و فخر فروشی جنبه ی مقدور و در توان بودن آن مراعات نگردد پس چرا به مقدار موجود قناعت و کفایت میکنند به قول یکی از اساتید من طبق این قاعده (مهریه بیشتر عزت بیشتر ) بهتر است که این هفت اقلیم بلکه از آن هم بیشتر مهریه قرار بدهد. زیرا منظور و هدف پرداخت نیست پس چرا عزت را بالاتر نمی برید. حقیقت

اینست که همه پافشاری برای رسم پرستی و نگهداری آداب قومی است والا هیچ خیر و مصلحت ندارد. حرف اصلی این است که برای ریا، تظاهر و فخر فروشی و پز دادن و به رخ کشیدن دیگران این کار را میکنند. بنا بر این هر کاری که به ذات خود مباح و جایز است برای تفاخر حرام میگردد چه برسد به کاری که بنفسه خلاف سنت و مکروه باشد به طریق اولی ممنوع خواهد بود و بالابردن مهریه خلاف سنت است [8].

## تذکر ضروری برای تقلیل مهریه

در پاسخ یک نفر تحریر فرمودند: که هدف از تقلیل مهریه این است که کل طائفه متفقا تصمیم بگیرند تا همه از این پس مهریه ی دختران شان را کم کنند، الا مهریه به مقدار مروج در عرف حق دختران است. ولی "سرپرست" با تقلیل حق او را از بین میبرد و این حق را او ندارد. در صورت که ولی به تنهایی حق تقلیل مهریه را ندارد و تفصیل آن در فقه درج است راه چاره در آن صورت این است که همه مردم، طائفه، قبیله شهر یا محله متفقا عرف خود شان را عوض بکنند که همین مقدار قلیل پس از تصویب، مهر مثل همه دختران قرار می گیرد [8].

## در مسئله ی مهر کوتاهی نیز وجود دارد

قسمیکه قبلا بیان نمودیم در راستای گران نمودن مهریه ها افراطهای وجود داشت که به برخی از آنها اشاره کردیم. و در زمینه پرداخت و ادای مهر نیز کوتاهی های وجود دارد که به بعضی از آن ها اشاره میشود:

1- غفلت و بی اطلاعی مسلمین از مسایل دینی یکی از عوامل مهم در رابطه با کوتاهی های موجود درین موضوع می باشد.  
2- کوتاهی دیگری درین خصوص وجود دارد که عدم تعهد مردان به پرداخت مهریه است و حتی مردان پرداخت مهریه را ضروری و لازم نمی دانند در صورتیکه پرداخت مهریه واجب است. و به عنوان دین برگردن مردان می باشد و واجب الا دا است.

3- عیب پنداشتن زنان دریافت مهریه ی خود را از شوهران، کج اندیشی درین رابطه می باشد. زیراکه اسلام مهریه را حق زن معرفی کرده و مردان را موظف به پرداخت آن نموده است. و عار پنداشتن دریافت مهریه اندیشه ای نادرست می باشد که با قوانین و موازین دینی و اسلامی همخوانی ندارد.

4- بعد از وفات زن، مهریه او همانند دیگر ماترک او میراث محسوب میشود و باید در میان وارث او تقسیم گردد. و مردان مکلف اند که آن را پرداخت کنند. در صورتیکه متاسفانه نه در حیات زن مهریه ای به وی پرداخت میشود. و نه پس از وفاتش حق او به وارثان او داده میشود. و لازم به یادآوری است که پس از وفات مادر فرزندان می توانند مهریه ی مادر را از پدر خود دریافت نمایند و درین مطالبه ی شرعی هیچگونه عیب و طعنه وجود ندارد.

5 - و بعضی از مردان که ازدین و ایمان بویی نبرده اند به عناوین مختلف ارباب ، تهدید ، شکنجه و اذیت و آزار ؛ زنان را تحت فشار قرار میدهند تا آنان مهریه خود را ببخشند و این عمل از نظر اسلام حرام است. خداوند "ج" می فرماید:

(ولا تمسکوهن ضراراً لتعتدوا و من یفعل ذالک فقد ظلم نفسه) [1: سورة بقره آیه 231].

6 - بعضی از پدران ظالم و مستبد و یا برادران و اقارب، مهریه ی دختران را غصب نموده و به آنان نمی دهند که این عمل جایز نیست و از نظر اسلامی مردود می باشد زیرا که این حق مسلم زن است که هیچ احدی در آن باوی شریک نیست و از طرفی دیگر این کار دور از شأن انسانی و اخلاق پدری است [10].

## بجای نقد اموال منقول دادن

یکی از کوتاهی ها و خلاف های شوهر این است که به دلخواه خودش چیزی از قبیل زیور آلات و وسایل منزل و از اموال غیر منقول به زن می دهند و بنام او می کنند و در دل خویش نیت دارد که مهریه او را داده ام و فکر میکند به همین صورت پرداخت شد.

باید دانست که در مقابل چیزی که در عقد مهریه تعیین شده چیزی دیگری دادن نوعی معامله و بیع است. و شرط صحت بیع رضایت طرفین است. بنابر این اگر تصمیم دارید چیزی دیگری را بجای مهریه ی تعیین شده بدهید، اول زن را اطلاع بدهید و باتوافق و رضایت او چیز ی جدید را به عنوان مهریه بدهید جایز است والاخر[8].

## مهریه نقدی و مهریه مهلتی

مهریه را میتوان بصورت نقدی و هم مهلتی قرار داد یا اینکه بعضی از آن نقد و بعضی دیگر وعده دار باشد، همانگونه که عرف و عادت مردم محل است رفتار می شود.

پرداخت قسمتی از مهریه بصورت نقدی مستحب و پسندیده است. چون از ابن عباس روایت شده که پیامبر "ص" علی بن ابی طالب را پیش از آنکه چیزی به فاطمه پرداخت کند از زفاف با او منع نمود. علی "رض" گفت: چیزی ندارم- حضرت محمد "ص" فرمود: زره ((حطمی)) شما کجاست؟ علی "ع" آنرا به فاطمه داد. بروایت ابو داود و نسائی و حاکم که آن را صحیح دانسته اند.

ابوداود و ابن ماجه از عایشه "رض" روایت کرده اند که گفت: پیامبر "ص" به من امر کرد که زنی را پیش شوهرش ببرم قبل از آنکه چیزی را به وی بدهد. ازین حدیث بر می آید که شوهر پیش از آنکه چیزی از مهریه به همسرش بدهد. میتواند باوی همبستر گردد.

و حدیث ابن عباس "رض" می رساند که مستحب است پیش از آنکه باوی همبستر گردد مبلغی از مهریه را پرداخت کند. اوزاعی گفته: مردم می پسندیدند که پیش از آنکه شوهر بر زن وارد شود چیزی را به وی بدهد.

"زهري گفته": بما رسیده است که سنت آنست پیش از آنکه به نزد زن برود نفقه یا لباسی را به وی تقدیم کند. و عمل مسلمانان براین رویه بوده شوهر میتواند و حق دارد بر زن

خود وارد شود و بر زن است که خویشتن را به وی تسلیم کند و نباید شوهر را منع کند حتی اگر شوهر مهریه نقدی قرار دادی را نیز نپرداخته باشد اگر چه به شوهر حکم میشود که مهریه ای نقدی پرداخت کند.

ابن حزم گفته است: کسی که ازدواج کرد از مهریه نام برده باشد یا از آن نامی نبرده باشد. حق دارد پیش زن خود برود، خواه زن دوست داشته باشد یا نداشته باشد و به شوهر حکم میشود که مهریه را پرداخت کند خواه دوست داشته باشد یا از آن بدش آید. و نمی توان شوهر را از دخول بر زن خویش منع کرد. فوراً به نفع مرد حکم میشود که پیش زن خود برود و به مرد نیز حکم میشود که بر حسب امکانات خود مهریه را پرداخت نماید. اگر نامی از مهریه نبرده بودند به او حکم می شود که "مهرالمثل" را بپردازد مگر اینکه باهم بر مبلغ کمتر یا بیشتر توافق کنند.

ابو حنیفه (رح) گوید: شوهر حق دارد پیش زن خود برود خواه زن بپذیرد یا نپذیرد و این در صورتی است که مهریه نقدی نباشد. چون زن خود به مهریه ی غیر نقدی راضی شده و این موجب اسقاط حق شوهر نمی شود. اما اگر مهریه همه اش یا قسمتی از آن نقدی باشد شوهر نمیتواند پیش رود مگر اینکه به شرط خود وفا کند و مبلغ مورد توافق را بپردازد. و درین صورت زن حق دارد مانع شوهر شود، و او را به نزد خود راه

ندهد. مگر اینکه مهریه مورد توافق را بپردازد و به شرط خود وفا کند.

ابن المنذر گوید: تمام کسانی که از اهل علم هستند و ما از آنان چیزی بخاطر داریم اجماع دارند بر اینکه زن حق دارد مانع شوهر شود و او را نپذیرد. مگر اینکه مهریه اش را بپردازد. صاحب محلی این رای را مورد بررسی و مناقشه قرار داده گفته است: هیچکس از مسلمین در این امر مخالفتی ندارد که از زمان اجرای صیغه ی عقد نکاح، زن همسر مرد می باشد. و هر دو برای همدیگر حلال هستند، هرکس مانع نزدیکی مرد به زن شود تا اینکه مهریه یا غیر آن را می پردازد، او مانع و صلت بین زن و مرد شده است. بدون اینکه دلیلی از کتاب الله یاسنت رسول الله داشته باشد. ولی حقیقت آنست که نباید هیچکدام از حق خود محروم و ممنوع شوند. پس مرد حق نزدیکی را دارد خواه زن بخواهد یا نخواهد و زن حق گرفتن مهریه ای خود را دارد مرد بخواهد یا نخواهد. پیامبر "ص" این سخن را پذیرفته است:

( اعط کل ذی حق حقه )

ترجمه: حق هرکس را به وی بدهید [7].

## نیت الزامی است نیت بعدی معتبر نیست

سوال: در مسایل زکات تصریح است که اگر هنگام دادن مبلغ نیت نکرده باشد تا زمانی که مبلغ در دست فقیر باقی است و مصرف نشده است. نیت زکات کردن جائز است. پس اگر کسی به زنش مالی داد اما هنگام دادن نیت ادا مهریه نداشت این رامیشود بر مسئله با لا قیاس کرد تا زمانی که آن مال در اختیار زن است شوهر اجازه دارد که نیت ادا مهریه بکند یاخیر؟ یا مهریه را جدا گانه باید پرداخت کند.

جواب: زمانی که هنگام دادن نیت پرداخت مهریه نداشت به باشد این تملک صورت هبه را خواهد داشت، وام "قرض" مهریه بذمه اش کماکان باقی است. و طبق تصریح در مختار هدیه تبدیل به مهریه نمی شود:

( و لو بعث الی امرأته شیئا و لم یذكر جهة عند الرفع  
غیر جهة المهر الخ... )

به خلاف زکات که در آن صورت زکات تبرع است و هدیه تبرع، اما درین صورت هدیه تبرع است و دین تبرع نیست و با تبرع غیر تبرع انجام نمی گیرد.

به عبارتی دیگر زکات بانیت موخر میتواند ادا شود اما دین مهریه با نسبت بعدی پرداخت نمیشود[8].

## شرایط مهریه

پول نقد، زیورآلات، زمین حیوان، منفعت عین، کالای تجارتي و هر چیزی دیگر که قیمت داشته باشد می تواند مهر باشد. شرط مهر آن است که باید معلوم باشد. خواه به تفصیل مانند هزار روپیه و خواه به اجمال این قطعه طلا یا این خرمن گندم.

اما اگر مهر از جمیع جهات مجهول باشد به گونه ای که نتوان آن را اصلاً تقویم- قیمت گزاری- کرد به نظر همه ی فقها جز مالکیه، عقد صحیح است ولی مهر باطل است. اما فقهای مالکیه میگویند: عقد فاسد، یعنی قبل از دخول باید فسخ شود وبعد از دخول مهر المثل به عهده ی زوج می آید.

شرط دیگر حلیت" حلال بودن" و مالیت شرعی" هرچیزی که مالیت داشته باشد" آنست. بنابر این هرگاه شراب یا خوک یا چیزی دیگری که مالکیت آن از نظر شرعی صحیح نیست مهریه قرار گیرد فقهای مالکیه میگویند قبل از دخول عقد فاسد میشود وبعد از دخول، عقد صحیح است و زن، مستحق مهرالمثل خواهد بود.

فقه‌های حنفیه، شافعیه، حنابله و بیشتر فقها می‌گویند: عقد صحیح است و زوجه مستحق مهرالمثل است و برخی از فقها استحقاق مهر المثل را به دخول مقید کرده اند اما برخی از آنان مانند فقهای مذاهب اربعه، به طور مطلق (چه قبل از دخول و چه بعد از دخول) زوجه را مستحق مهرالمثل دانسته اند. هرگاه شوهر مال غصبی را مهریه قرار دهد. مثل اینکه مهر را زمینی قرار دهد که بعداً معلوم شود زمین، مال پدرزوج یا کسی دیگر است فقهای مالکیه در باره گفته اند: اگر زمین برای هردو نفر آنان، شناخته شده باشد و هم هر دو "رشد" باشند. قبل از دخول عقد فاسد است و فسخ می‌شود. و بعد از دخول، عقد صحیح و مهر المثل ثابت می‌شود. فقهای شافعیه و حنابله می‌گویند: عقد صحیح است و زن مستحق مهرالمثل.

فقه‌های حنفیه می‌گویند: عقد در هر حال صحیح است اما در مورد مهریه باید گفت که اگر مالک، اجازه بدهد زن، مستحق عین همان زمین است و چنانچه مالک اجازه ندهد زن مستحق "بدل" آنست. "فقهای امامیه نیز به این نظر اند" یعنی یا مثل آن و یا قیمت آن، زیرا در چنین حالتی، مهر المسمی فی نفسه، قابلیت ملک بودن را دارد و بطلان آن به خاطر عدم تعیین آنست. که مال دیگری

است، برخلاف خمر و خوک که شرعاً قابلیت ملک را ندارند[4].

## معاشقه ی فرنگی از ازدواجش طبیعی

### تراست

در کتاب نظام حقوق زن در اسلام نوشته ی شهید "مطهری" تحت عنوان فوق مطالبی بیان شده که اینک مختصر بیان میگردد:

در دنیای غرب که بنام تساوی حقوق انسانها، حقوق خانوادگی را از صورت طبیعی اش خارج کرده اند سعی میکنند علی رغم قانون طبیعت زن و مرد را در وضع مشابهی قرار دهند، وزن های مشابهی در زندگی خانوادگی بعهده ی آنها بگذارند، آنجا که به اصطلاح پای عشق به میان می آید، قوانین قرار دادی آنها را از مسیر طبیعت خارج نکرده است، مرد همان وظیفه ی طبیعی خود یعنی نیاز و طلب، مایه گذاشتن و پول خرچ کردن را انجام میدهد، مرد به زن هدیه میدهد و متحمل مخارج او میشود. در صورتیکه در ازدواج فرنگی مهر وجود ندارد و از لحاظ نفقه نیز مسوولیت سنگینی بعهده ی زن میگذارند.

یعنی معا شقه ی فرنگی از ازدواج فرنگی با طبیعت هما  
هنگ تر است.

مهر یکی از نمونه های است که میرساند زن و مرد با  
استعداد های نا متشابهی آفریده شده اند وقانون خلقت از  
لحاظ حقوق فطری و طبیعی سند های نا متشابهی بدست  
آنها داده است.

## تنها زن مالک مهر است و او نباید سختگیری

### کند

همان طوریکه مکرراً بیان شد، مهر تنها از آن زن  
وزن تنها مالک آنست او میتواند مهر را به تصرف خود در  
آورده و مورد بهره برداری قرار دهد.

و مرد هم باید مهر را بپردازد، نکته ی قابل تذکر اینست که زن  
هم نباید در گرفتن مهر نسبت به شوهرش سختگیری کند  
واسباب مزاحمت او را فراهم سازد.

اگر شوهرش کاملاً در رفاه است؛ میتواند مهر را مطالبه کند،  
ولی اگر میبیند که از جهت زندگی در حالت رقت بار بسر میبرد،  
صداقت خانوادگی و آداب اجتماعی تقاضا میکند که اسباب  
زاحمت و شرمندگی او را فراهم نسازد، و مصلحت زندگی ایجاب  
میکند که برای ایجاد الفت و محبت بیشتر، در صورتیکه شوهر

مرد صادق، پاک، مهربان، حمت کش و انسان کامل است؛ زن قبل آزمایش یا بعد از آن مهر را به شوهر ببخشد. درین باره رسول اکرم "ص" فرموده است:

هرزنی که قبل از عروسی مهرش را به شوهر ببخشد، خداوند "ج" در برابر هر دیناری ثواب آزاد کردن یک بنده به او عطا میکند.

گفته شد: یا رسول الله! بخشش بعد از عروسی چطور است؟  
فرمود: وسیله ی محبت و الفت میشود.

## قرآن رموز فطرت بشر را رعایت کرده است

چنانچه قبلاً بیان شد که مهر، عطیه است. قرآن این عطیه و پیشکشی را لازم میداند، قرآن رموز فطرت بشر را باکمال دقت رعایت کرده است. و برای اینکه هریک از زن و مرد نقش مخصوصی که در طبیعت از لحاظ علایق دوستانه به عهده ی آنها گذاشته شده، فراموش نکنند لزوم مهر را تأکید کرده است. نقش زن اینست که پاسخگوی محبت مرد باشد، محبت زن خوب است. بصورت عکس العمل محبت باشد، نه بصورت ابتدایی.

عشق ابتدایی زن، یعنی عشقی که از ناحیه ی زن شروع بشود و زن بدون آنکه مرد قبلاً او را خواسته باشد عاشق مردی بشود، همواره با شکست عشق و شکست شخصیت خود زن است، برخلاف عشقی که بصورت پاسخ به عشق دیگری در زن پیدا میشود، این چنین عشق نه خودش شکست میخورد و نه با شخصیت زن لطمه و شکست وارد میآورد.

آیا راست است که زن وفا ندارد؟ پیمان محبت زن سست است؟ به عشق زن نباید اعتماد کرد؟

این، هم راست است و هم دروغ، راست است اگر عشق از زن شروع شود، اگر زنی ابتدا عاشقی مردی بشود و باو دل ببندد آتشش زود سرد میشود، به چنین عشقی نباید اعتماد کرد. اما دروغ است در صورتیکه عشق آتشین زن بصورت عکس العملی از عشق صادقانه مردی و بعنوان پاسخگویی به عشق راستین پیدا شده باشد. این چنین عشقی عملاً مستبعد است که فسخ بشود، مگر آنکه عشق مرد به سردی بگراید و البته درین صورت عشق زن تمام میشود، عشق فطری زن همین نوع از عشق است.

شهرت زن به بی وفایی در عشق های نوع اول است و ستایش های که از وفاداری زن شده مربوط به عشق های نوع دوم است.

جامعه اگر بخواهد پیوند های زنا شوهری استحکام پیدا کند چاره ای ندارد ازینکه از همان راهی برود که قرآن رفته است.

یعنی قوانین فطرت را رعایت کند، و از آنجمله نقش خاص هر یک از زن و مرد را در مسایل عشق در نظر بگیرد. قانون مهر هماهنگی با طبیعت است. ازینرو که نشانه وزمینه آن است که عشق از ناحیه ی مرد آغاز شده و زن پاسخگوی عشق اوست و مرد به احترام او هدیه ای نثار او میکند. ازینرو نباید قانون مهر که یک ماده از از یک اساسنامه ی کلی است و بدست طراح طبیعت تدوین شده، بنام تساوی حقوق زن و مرد ملغی گردد [6].

## مهر المثل

جهت بیشتر وضاحت موضوع و اینکه چندین بار از مهر المثل تذکر به عمل آمده و مورد تطبیق بالاین مبحث را داشته و نمیتوان بدون تذکر آن این مبحث را دنبال کرد، مورد مهر المثل را قرار ذیل بیان میکنیم:

1 - فقها اتفاق نظر دارند که مهر "رکن" عقد نیست

آنچنانیکه در بیع چنین است { معوض در عقد معاوضی بیع یکی از ارکان بیع است }، بلکه یکی از آثار عقد است، بنابر این عقد بدون ذکر مهر، صحیح است و با دخول، مهر مثل به عهده ی زوج ثابت میشود. و اگر زوجه را قبل از دخول طلاق بدهد، زوجه مستحق مهری نیست بلکه متعه میگیرد و متعه هدیه ی است

که مرد با توجه به وضع مالی خود به زن میدهد. مثل انگشتی، لباس و... "چنانچه قانون مدنی افغانستان در ماده ی 107 بیان داشته است: "هرگاه تفريق بين زوجين قبل از دخول یا خلوت صحیحه واقع گردد، برای زوجه، متعه ی است که عبارت از البسه معمول و امثال وی میباشد واجب میگردد. در تعیین متعه، توان مالی زوج در نظر گرفته شده و به هیچ صورت قیمت آن از نصف مهر مثل تجاوز نمیکند "[12].

بنابر آن اگر طرفین بر آن متعه توافق داشتند که چه بهتر، و اگر توافق نداشتند حاکم مقدار آن را مشخص میکند. اما درین که آیا صرف خلوت در حکم دخول است یا نه بعداً بحث میشود. فقهای حنفیه و حنابله میگویند: اگر یکی از آن دو قبل از دخول بمیرد، زوجه مستحق مهر المثل است، دقیقاً مانند جاییکه دخول انجام شده باشد {مجمع الا نهر، المغنی، باب الزواج}.

مالکیه میگویند: اگر فوت یکی قبل از دخول باشد مهری ثابت نخواهد شد. امامیه نیز به این نظر اند {المغنی، الوسیله}. فقهای شافعیه دو قول دارند: a- مهر ثابت میشود. b- چیزی ثابت نمیشود. {مقصد النبیه}.

2 - وقتی که عقد بر چیز غیر قابل تملک مثل خمر یا خوک منعقد شود که حکم آن قبلاً گذشت "یعنی درین جا نیز مهر المثل تعلق میگیرد".

3 - به اتفاق همه فقها، "وطی به شبهه" موجب مهر المثل است، و طی به شبهه عبارت است از آن طی که در واقع و حقیقت امر، درست نبوده و واطی نسبت به عدم صحت آن جاهل است، مثلاً کسی با زنی ازدواج میکند اما نمی داند که "خواهر رضاعی" او است و بعداً مشخص میشود. و یا مثلاً زنی وکیل میگیرد که او را به ازدواج آن مرد در آورد. و چنین تصور میکند که صرف وکیل گرفتن برای جواز "مقاربت" کافی است و مقاربت هم انجام میشود. به عبارت دیگر ظابطه در شبهه این است که مقاربت "بدون نکاح صحیح شرعی" انجام شود، اما باوجود دلیل و مجوز شرعی، حد ساقط میشود.

ازین روست که فقهای امامیه و طی مجنون، نایم و سکران را "وطی به شبهه" ذکر میکنند.

4 - فقهای شافعی و حنابلہ میگویند: هر گاه شخصی زنی را بر زنا اکراه کند باید مهر مثل به او بدهد. و چنانچه زن هم به آن تمایل داشته باشد مهری به زن تعلق نخواهد گرفت. فقهای امامیه نیز به همین نظر اند.

5 - اگر مرد با زنی به شرط عدم مهریه، ازدواج کند. همه فقها بجز مالکیه معتقدند که این عقد صحیح است. اما فقهای مالکیه میگویند: قبل از دخول عقد باطل میشود ولی اگر دخول شده باشد مهر مثل به عهده ی زوج ثابت میشود. و بسیاری از فقهای امامیه گفته اند: زوج باید چیزی - کم یا زیاد - به زوجه بپردازد و درین باره روایاتی هم از اهل بیت رسیده است.

فقه‌های حنفیه میگویند: هر گاه عقد فاسدی جاری شود و مهرالمسمی هم قید شده و دخول هم انجام پذیرد، اگر مهر مسمی کمتر از مهر مثل باشد، زن مستحق مهر مسمی است. زیرا این همان چیزی است که زن به دان رضایت داده است ولی اگر مهر مسمی بیش از مقدار مهر مثل باشد زن مستحق مهر مثل است. زیرا زن در چنین فرضی، استحقاق بیش ازین را ندارد.

از نظر حنفیه مهر مثل زن بر اساس مهر همانند هایش از قبیلہ ی پدرش، نه مادرش، در نظر گرفته میشود. و از نظر مالکیه براساس صفت خلقی و خلقی خود زن تعیین میشود. از نظر فقه‌های شافعیه با زنان عصبه، یعنی زن برادر و عمو خواهر تنی و... و از نظر فقه‌های حنابلہ، حاکم مهر مثل را با توجه به زنان خویشاوند خود زن مانند مادر و خاله تعیین میکند.

فقه‌های امامیه معتقدند که مهر مثل در شرع، میزان معینی ندارد. بلکه اهل عرف که به وضع نسب و حسب معیارهایی که در زیاده و نقصان مهریه دخالت دارد، آشنا هستند مهر را تعیین میکنند. البته به این شرط که از "مهر السنة" یعنی که برابر پنجاه دینار طلا است، بیش نباشد و آن معادل پنجصد در هم شرعی است [4].

## مهریه ی که ساقط میشود

در حالیکه زن پیش از آمیزش جنسی از شوهر جدا شود. وجدایی از جانب زن بوده و زن عامل جدایی باشد. همه مهریه ساقط شده و چیزی از آن بر شوهر واجب نیست. مانند اینکه زن مرتد شود یا به علت فقر و تنگدستی شوهر یا عیبی در او عقد نکاح را فسخ کند. یا شوهر به علتی عیبی در زن نکاح را فسخ کند، یا فسخ نکاح به علت خیار بالغ شدن باشد. درین علاوه بر اینکه مهریه واجب نیست؛ پرداخت "متعّه" و هدیه ی مناسب نیز واجب نمیگردد، چون زن عوض و بدل مهریه را پیش از تسلیم نمودن تلف نموده است، پس عوض آن هم ساقط میگردد. همانگونه که بایع جنس فروخته شده را پیش از تسلیم به خریدار تلف نماید، بهای آن را نمیگیرد. هرگاه زن شوهر خود را پیش از آمیزش و همبستری از پرداخت مهریه معاف کند؛ یا او را تبریه نماید یا آن را به وی ببخشد باز هم مهریه ساقط میگردد.

چون حق خالص اوست و او خود از آن گذشت کرده است [7].  
قانون مدنی افغانستان نیز در جلد اول ماده 106 در مورد چنین وضاحت دارد: هرگاه تفریق قبل از دخول یا خلوت صحیحه از طرف زوجه صورت گیرد مهر وی کاملاً ساقط میگردد [12].

## باگرفتن مهریه دیگر حقوق زن از بین

### نمیرود

زنان تصور میکنند که اگر مهریه را وصول کنیم هیچ حقی از ما بذمه شوهر باقی نمی ماند بعبارتی دیگر نفقه و مخارج دیگر حقوق معاشرتی همه ساقط میشود. این عقیده پوچ و خرافات است. هرحقی مستقل است هیچ حقی به دیگر موقوف یا معلق نیست. باگرفتن مهریه هیچ حقی ساقط نمیشود، همچنین این تصور عده ای از زنان که مهریه را بگیریم از نفقه هیچ حقی نخواهیم داشت.

لذا مطالبه که بماند اگر شوهر خودش بپردازد ازین ترس نمیگیرند، این همه غلط و باطل است و درآثر همین عقیده ی باطل است که شوهر هر چه اصرار میکند، زن وصول نمیکند و نه هم صراحتاً حلال و معاف میکند، درین صورت شوهری که در فکر اداء دین و حق باشد نگران میشود که راه چاره برای ادای این قرض چیست؟ [8].

## امتناع زوجه از تمکین تا گرفتن

### مهریه

فقها اتفاق نظر دارند که زوجه حق دارد مهر خود را، اگر نقداست به محض انعقاد عقد از زوج طلب کند و حق دارد از تمکین امتناع کند تا مهر خود را بگیرد، ولی اگر زوجه بارضایت خود، پیش از گرفتن مهر، تمکین کند به نظر همه فقها، جز ابوحنیفه، دیگر حق امتناع از تمکین ندارد، امام ابوحنیفه (رح) میگوید: پس از تمکین هم حق امتناع دارد، اما امام محمد و ابویوسف از شاگردان امام صاحب؛ با نظر وی مخالف اند.

وقتی زوجه از تمکین خود داری میکند تا آنکه مهر را بگیرد، استحقاق نفقه را خواهد داشت زیرا در چنین حالتی امتناع زوجه به خاطر مجوّز و دلیل شرعی است، اما وقتی امتناع زتمکین، پس از قبض مهر یا بعد از تمکین باشد نفقه اش ساقط است، ولی ابوحنیفه با این رأی مخالف است.

اگر زوجه "صغیره" باشد و صلاحیت همبستری و آمیزش را نداشته باشد اما زوج "کبیر" باشد، ولی زوجه میتواند مهریه را طلب کند و نباید منتظر بماند تا صغیره بالغ شود، همچنین است اگر زوجه "کبیره" باشد و زوج "صغیر" درین صورت زوجه حق دارد مهر خود را از ولی زوج در خواست کند و نباید منتظر بلوغ زوج بماند.

فقه‌های امامیه میگویند: اگر زوج و زوجه اختلاف داشته باشند بدین ترتیب که زوجه بگوید: تمکین نمیکنم تا مهر را بگیرم. و زوج بگوید: نمی پردازم تا تمکین کنی. درچنین حالتی زوج را مجبور میکنند تا مهر را بدست فرد "امین" بسپارد و زوجه مجبور به تمکین میشود.

بنابر این اگر زوجه تمکین کرد مهریه به او پرداخت میشود و استحقاق نفقه هم دارد. ولی اگر امتناع ورزید مهر به او پرداخت نمیشود و مستحق نفقه هم نیست ولی اگر زوج از پرداخت مهر، امتناع کند مجبور به پرداخت نفقه خواهد بود اگر زن آنرا طلب کند.

فقه‌های حنفیه و مالکیه گفته اند: تسلیم مهریه بر تمکین زن، مقدم است بنابر این زوج حق ندارد بگوید: مهر را نمی پردازم تا زن تمکین کند. و اگر هم براین سخن اصرار ورزد نفقه را باید بپردازد ولی اگر زوجه مهر را قبض کرده و پس از قبض از تمکین امتناع ورزد زوج حق ندارد مهریه را پس بگیرد.

فقه‌های حنابله میگویند: نخست زوج مجبور به پرداخت مهریه میشود، همانگونه که حنفیه میگویند. اما اگر زوجه از تمکین امتناع کند زوج حق پس گرفتن مهریه را از او دارد [4].

## مهریه مانع زکات نیست

عده ای قرض مهریه را اذارایی خود کم میکنند و آن را مانع زکات میدانند یعنی شوهر به اندازه ی نصاب پول دارد، اما همان مقدار بعنوان مهریه ی زن قرضدار است. او تصور میکند که آنرا از نصاب کسر کنم برایم چیزی باقی نمی ماند که زکات بدهم پس زکات نمیدهد. در صورتیکه مهریه را از نصاب نباید کسر کرد.

در شامی ذکر است: "والصحيح انه غير مانع".

خلاصه، مهریه نه مانع زکات است برای شوهر، و نه موجب زکات است برای زن یعنی شوهر بداشتن قرض مهریه باید زکات بدهد و آنرا کسر نکند و زن تا زمانیکه وصول نکرده است فقط با داشتن چنین طلبی زکات براو لازم نیست. و هر زمانی وصول شد از آن به بعد زکات لازم است نه برای سالهای گذشته [8].

## ناتوانی زوج از پرداخت مهریه

فقهای حنفیه می گویند: هر گاه زوج از پرداخت مهریه نا توان باشد زوجه حق فسخ عقد را ندارد. وقاضی هم حق ندارد

زوجه را طلاق دهد، بلکه فقط حق امتناع از تمکین را دارد، فقهای امامیه نیز موید مطلب فوق اند.

فقهای مالکیه میگویند: وقتی عجز از پرداخت ثابت شد و زوج هنوز آمیزش نکرده بود قاضی برابر نظر خودش، فرصتی به زوج میدهد. اگر همچنان نتوانست مهر را بپردازد قاضی او را طلاق میدهد یاخود زوجه، خود را طلاق میدهد و قاضی هم به صحت طلاقش حکم میکند، اما در صورتیکه زوج آمیزش کرده باشد زوجه اصلاً حق فسخ را ندارد.

فقهای شافعیه میگویند: وقتی اعسار "ناتوانی از پرداخت" محقق شد و زوج هنوز آمیزش نکرده باشد زوجه حق فسخ را دارد ولی اگر زوج آمیزش کرده باشد زوجه حق فسخ نکاح را ندارد.

فقهای حنابلّه میگویند: حتی اگر زوج آمیزش کرده باشد زوجه حق فسخ را دارد البته به شرطیکه قبل از عقد، نسبت به تنگدستی او آگاه نبوده باشد، اما اگر زوجه قبل از عقد از تنگدستی زوج آگاه بوده است حق فسخ را ندارد و در جاییکه فسخ جایز است" یعنی در صورت جهل به عسر قبل از عقد" فقط حاکم میتواند فسخ کند[4].

## جنایت زوجه بر زوج

شافعیه، مالکیه وحنابله گفته اند: هر گاه زوجه زوج را قبل از دخول بکشد مهریه اش ساقط میشود. فقهای حنفیه گفته اند: حق زوجه از مهریه ساقط نمیشود هر چند از ارث ساقط میشود و ارث نمیرد "لایرث القاتل" منظور قتل عمدی بوده وقاتل عمدی مانع میراث میشود فقهای امامیه درین مورد با حنفیه موافق اند[4].

## پس از عقد نکاح اضافه نمودن برمهر

ابوحنیفه(رح) گوید: مبلغ افزایشی واطافی برمهریه پس از عقد چنانچه آمیزش وهمبستری صورت گرفته یا شوهر بمیرد واجب وثابت میگردد. اما اگر زن را پیش از همبستری طلاق دهد تنها نیمه ی مهریه بر شوهر واجب میشود.

مالکیه گویند: آنچه که بر مهریه اضافه شده اگر همبستری صورت گرفته باشد همه اش واجب وثابت میشود. واگر پیش از همبستری او را طلاق دهد، نصف مبلغ اطفای ونصف مهریه ی تعیین شده را میگیرد. اگر شوهر پیش از آمیزش وهمبستری بمیرد وهنوز زن مبلغ اطفای را نگرفته باشد. مبلغ اطفای ساقط میشود. وبموجب عقد تنها مبلغ مهریه ی تعیین شده واجب میگردد.

شافعی میگوید: مبلغ اظافی بر مهریه هبه و بخشش است از جانب مرد. اگر زن آنرا دریافت نمود جایز است و اگر دریافت نکرد باطل میشود [7].

## خلوت

اکثر فقهای امامیه میگویند: خلوت زوج با زوجه، تأثیری در مهر و غیر مهر ندارد. بلکه آنچه دارای آثار شرعی است "دخول حقیقی" است. نظر فوق مورد تایید شافعی ها نیز میباشد.

فقهای حنفیه و حنابله میگویند: خلوت صحیح مهر و نسب را تثبیت میکند و موجب "عده طلاق" میشود هر چند که دخول حقیقی انجام نشده باشد.

حنابله از ابو حنیفه (رح) هم فراتر رفته و معتقدند که "نظر به شهوت"، "لمس به شهوت" و تقبیل "بوسیدن" حتی بدون خلوت، مانند دخول موجب مهر خواهد شد.

معنای خلوت صحیح آنست که زوجین در مکانی باهم باشند که کسی بر آنان اطلاع نمی یابد و مانعی از مقاربت ازسوی هیچ کدام وجود ندارد" مثلاً حیض یا صایم بودن".

فقهای مالکیه میگویند: وقتی زوج با زوجه مدتی طولانی خلوت کند هر چند دخول نکند، مهر بر ذمه اش خواهد بود و برخی از آنان مدت خلوت را یکسال کامل دانسته اند [4].

## گذشت زن از مهریه هنگام مرض الموت

خیلی از زنان هنگام مرگ شان مهریه را حلال و عفو میکنند و شوهر با همین گذشت مطمئن میشود. باید دانست این نوع گذشت در حق وارث جنبه ی وصیت دارد، لذا بدون رضایت دیگر وارث جایز نیست. بنابر این باین نوع گذشت از ذمه ی شوهر ساقط نمیشود.

البته به مقدار سهم الارث شوهر، از ذمه او ساقط شده باقی مانده را باید به دیگر وارثان زن بپردازند و به ذمه او واجب است.

البته اگر بستگان "کلیه" و سهمداران ارثیه زن این گذشت را بپذیرند، ایرادی ندارد. همه گذشت خواهد شد و اگر تعدادی از وارثان راضی میشوند یا تعدادی صغیر و نابالغ هستند پس به مقدار سهمیه ناراضیان و نابالغان گذشت نخواهد شد [8].

## ازدواج کردن دختر صغیره با مهریه

### ی کمتر از مهر المثل

امام شافعی، داود، ابن حزم و یاران ابوحنیفه (رح) - محمد و ابویوسف - گویند: جایز نیست که پدر دختر صغیره ی خود را با مهریه ی کمتر از مهر مثل نکاح کند و حکم پدر درین

باره لازم الاجرا نیست و باید مهریه ی او به میزان مهر مثل رسانیده شود؛ چون مهریه حق اوست و پدر حق حکم کردن در مال او را ندارد.

ابوحنیفه "رح" گوید: هرگاه پدر دختر خورد سال خود را با مهریه کمتر از مهر مثل نکاح کرد این نکاح جایز است و برای غیر پدر وجد جایز نیست [7].

## مهریه ی حضرت فاطمه زهرا "رض"

اسلام با هر ازدواجی که پایه و اساس آن بر مال و ثروت استوار گردد، مخالف است و از مهریه های سنگین و تجملات و تشریفات بیزار است. حضرت زهرا بانوی نمونه ی است که ازدواج او برای همه مسلمانان الگوست. پیامبر "ص" خواستگاران ثروتمند و متمکن را پاسخ رد داد و به ازدواج با مردی موافقت کرد که از نظر مادی از تهی دستان بود، و وقتی که به پیامبر اسلام "ص" اطلاع دادند که زنان و دختران شهر؛ دختر شان را سرزنش میکنند که چرا با مرد تهی دستی از دواج کرده است، پیامبر اکرم "ص" به حضرت زهرا فرمود: ای عزیز پدر! تو را با مرد تهی دستی عقد بستم با این که رجال و ثروتمندان از تو خواستگاری کردند، ای نور دیده!

شوهرت فقیر نیست... قدرش را بدان و از فرمانش سرپیچی مکن.

هنگام خواستگاری حضرت علی "رض" از حضرت فاطمه؛ پدر بزرگوار عروس "نبی اکرم" با لبی خندان نزد علی "رض" آمد و فرمود: آیا برای عروسی چیزی پس انداز کرده ای؟

حضرت علی "رض" فرمود: یا رسول الله "ص"! پدر و مادر به قربانت، شما از وضع من کاملاً مطلع هستید، تمام ثروت من یک شمشیر و یک زره و یک شتر است. پیامبر "ص" فرمود: تو مرد جهادی و بدون شمشیر نمیتوانی در راه خدا "ج" جهاد کنی. پس شمشیر را لازم داری و شتر نیز از ضروریات زندگی تو است به وسیله ای آن باید آب بیاوری و وضع اقتصادی خود و خانواده ات را تأمین نمایی و در مسافرت ها بار بردارت باشد. تنها تو میتوانی زره را بفروشی و هزینه ای آن را درین راه صرف کنی من هم بر تو سخت نمیگیرم و به همین زره اکتفا میکنم.

غنچه ی لب های پیغمبر باز شد = صحبت از مهریه چون آغاز شد  
گفت پیغمبر: که برزهرای من = بهر مهریه چه داری "بو الحسن"  
گفت مولی آگهی از حال من = بر شما باشد عیان احوال من  
اشتری دارم کمک کار من است = در معاش زندگی یار من است  
دیگری شمشیر دارم بهر جنگ = تا کنم بردشمن دین ، عرصه تنگ  
یک سپر دارم برای حفظ جان = در مصاف فتنه ای اهریمنان  
گفت پیغمبر: علی ای روح من = ای به طوفان بلا ها نوح من

اشتر و شمشیر لازم باشد = هرکجا باشی ملازم باشد  
 با تو اما آن سپر بیگانه است = ترس با مرد خطر بیگانه است  
 بعد ازین زهرا سپر باشد تورا = یار در وقت خطر باشد تورا  
 شد سپر مهریه ای خیرالنساء = محفل و جشن و عروسی شد بیا  
 توجه کنید پیمبر"ص" پیش از هرچیز مسأله ای مهریه را  
 مطرح و پی گیری میکند. و به حضرت علی میفرماید: آیا برای  
 ازدواج پس انداز کرده ای؟ و این موضوع بیان میکند که  
 جوانان باید برای ازدواج خویش پس انداز داشته باشند. نکته  
 ای دیگری که ازین ازدواج فهمیده میشود اینست که پدر دختر  
 برداماد سخت نمیگیرد و این را به زبان بیان میکند و میفرماید:  
 برتوسخت نمیگیرم، که ازهمان آغاز زندگی تأثیر مثبت در  
 روحیه ای داماد ایجاد میکند و به دنبال این سخن عمل نیز  
 میکند و از میان اموال داماد، آنرا که مورد نیاز او نیست برای  
 مهریه بر می گزیند. یعنی شمشیر و شتر را که مورد نیاز  
 حضرت علی است، برای او باقی میگذارد و زره را برای  
 مهریه انتخاب میکند و می فرماید: شتر برای آب کشی  
 و امرار معاش تو ضروری است و شمشیر را برای جهاد در راه  
 دین لازم داری. تابا جهاد به سعادت آخرت نایل شوی. داماد  
 هم با فروش زره، هزینه ای عروسی اش را تأمین میکند. و این  
 الگوی برای جوانان است، که برای عشق و ازدواج لازم نیست  
 تمام اموال و زندگی خویش را نا بود کنند، بلکه میتوانند

بادرایت و کاردانی، سعادت دنیا و آخرت خویش را تأمین نمایند[9].

## مطالبه ای مهریه عیبی ندارد

یکی از خطاهای عملی و مروج اینست که زن مطالبه مهریه را یا بدون مطالبه به او برسد گرفتن او را عیب میداند و اگر زنی چنین کاری بکند او را طعنه میزنند و ایراد میگیرند. باید توجه کرد که مطالبه حق واجب و مشروع خود او، و وصول کردن آن شرعاً ایرادی ندارد فقط در تقلید و تبعیت از مراسم قومی آنرا عیب دانستن خالی از معصیت و گناه نیست[8].

## نسبت به مهریه در عرب ها به چند

### صورت ظلم میشد

یکی اینکه مهریه حق زن است، به او پرداخت نمیشد، بلکه اولیای دختر آنرا از شوهر میگرفتند که اصولاً این ظلمی است. برای دفع آن قرآن میفرماید: {وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَهُ...} یعنی به زنان مهریه ی شان را بدهید. مخاطب به این دستور شوهر هم است که او مهریه ی همسر خود را به او داده و به دیگران ندهد. و اولیای دختران نیز مخاطب هستند که اگر

آنان مهریه ی دختر را دریافت کرده اند؛ آنرا به خود شان بدهند. بدون اجازة ی آنها در آن هیچگونه تصرفی ننمایند.

ظلم دوم این بود اگر گاهی کسی به پرداخت مهریه مجبور میشد، آنرا ناگوار دانسته بادل نا خواسته نوعی تاوان قلمداد میکرد و سپس با کراهیت میپرداخت.

و در آیه فوق نسبت به رفع این ظلم لفظ "نحلة" به کار برده شده است. زیرا "نحلة" در لغت به آن نوع پرداخت گفته میشود که با طیب خاطر باشد.

خلاصه اینکه درین آیه چنین تعلیم داده شد که مهریه ی زنان حق واجب آنها است و ادای آن لازمی و ضروری است و همچنان که ادای حقوق دیگران با طیب خاطر ضروری است، ادای مهریه نیز همین گونه است.

ظلم سوم در باره ی مهریه این بود بسیاری از شوهران با تصور اینکه زن از او چاره ی ندارد و نمیتواند با او مخالفت نماید؛ او را تحت فشار قرار میداد تا مهریه را بر او هبه کند و او را عفو کند که درحقیقت این عفوئی نبود بلکه آنها فکر میکردند که عفو انجام گرفته است لذا به فکر پرداخت آن نمی شدند.

به خاطر انسداد این ظلم در آیه مذکور فرمود: "فإن طبن لکم عن شیءٍ منه نفساً فكلوه هنیئاً مریئاً" یعنی اگر زنان چیزی از مهریه ی خویش را با طیب خاطر به شما دادند،

میتوانید آنرا مورد استفاده قرار دهید ، واین برای شما مبارک خواهد بود.

منظور اینست که بدست آوردن عفو، با جبر، اکراه و فشار اعتباری ندارد و بدین شکل چیزی عفو نمیشود.

اما اگر زن با اختیار کامل و رضایت خویش چیزی از مهریه ی خود را عفو نماید، یا پس از دریافت آن را مسترد کند ، مورد استفاده قرار دادن آن برای شما جایز میباشد.

این گونه مظالم در زمان جاهلیت به کثرت وجود داشت که به خاطر رفع این ظلم قرآن چنان فرمود. اما متأسفانه این امور زمان جاهلیت تاکنون هم بین مسلمانان وجود دارد. لذا اجتناب ازین ظلم بر همه لازم و ضروری است[2].

## چند مورد عمده از خلاصة المسائل

\*- اگر مرد با زن مجامعت نمود یابین مرد وزن خلوت صحیحه انجام گرفت و بعداً زن را طلاق داد، یا شوهر پس از عقد فوت نمود. کل مهریه باید به زن پرداخت گردد.

\*- اگر خلوت بین زوجین انجام شد ولی یکی از دوطرف بسیار کوچک است که نمیتواند جماع کند یا جماع کرده شود این خلوت صحیحه نیست نصف مهر لازم میگردد.

\*- اگر مردی که آلت تناسلی اقطع شده یاسست اندام است. که قدرت مجامعت ندارد و با عیال خود خلوت نمود، این خلوت

صحیحه محسوب میگردد. وبعد از طلاق مهر لازم بوده وعده نیز لازم میگردد.

\* - اگر مرد برای زن گفت چند حیوانی مهر خواهم داد ونوع حیوان را تعیین نکرد، جایز نیست. مهر مثل لازم میگردد.

\* - اگر موقع عقد مهریه تعیین نکردند ولی پس از خانه آوردن به رضایت یکدیگر صداقیه تعیین نمودند مهر لازم میگردد نه مهر مثل.

\* - اگر زن شرط کند که مرد، دیگر ازدواج نکند واین به منزله ی مهر تلقی شود عقد صحیح، ولی مهر باطل است ومهر مثل به او تعلق می گیرد.

\* - اگر پس از عقد بر مهر معینه به رضایت خود افزودند آن هم لازم میگردد ولی اگر قبل از جماع وخلوت صحیحه طلاق واقع شده نصف اصل مهر لازم میگردد[14].

## شیربها وشرایط آن

در بعضی مناطق مرسوم است که هنگام قرار دادن مهر ، مبلغی وجه نقد به عنوان "شیربها" تعیین میکنند وغالباً داماد باید تا قبل از مراسم عقد، آنرا در اختیار خانواده ی عروس قرار دهد.

تعیین شیر بها و گرفتن آن به دوصورت، میتواند انجام بگیرد که حکم آنها متفاوت میباشد:

معمولاً والدین دختر در هنگام قرار دادن مهر، مبلغی از آن را تعیین کنند که داماد به صورت نقد به آنها بپردازد، برای اینکه در خرید جهیزه به مصرف برسانند. و در غیر این صورت وجه نقد، گرچه به عنوان شیر بها میباشد ولیکن در واقع جزء مهر است و مالک آن هم دختر است نه والدین او، اگر چنین قرار دادی باشد اشکال ندارد.

شیر بها جزء مهر به حساب نمی آید، بلکه مبلغی وجه نقد میباشد، که اضافه و جدا از مهر است که والدین دختر میخواهند آن را برای خود شان به عنوان حق الزحمة بگیرند. گرچه همه یا قسمتی از آن را به مصرف تهیه ی جهیزه برسانند. چنین قرار دادی باطل ولی اصل عقد صحیح میباشد.

به هر حال "شیر بها" با اینکه در صورت دوم امر غیر مشروعی است، ولی در صورت اول نیز متأسفانه یکی از موانع بزرگ بر سر راه ازدواج جوانان شده و در بعضی مناطق صورت رسمیت به خود گرفته و یکی از لوازم و شرایط ازدواج به شمار می رود. و چه بسایرند جوانانی که به علت عدم توانایی در پرداخت شیربها از ازدواج به موقع محروم میشوند[9].

## فصل دوم

### جهیزیه

جهیز در لغت مأخوذ از کلمه ی عربی "جهاز" بوده، اسباب، کالا و آنچه که عروس از خانه ی خود به خانه ی شوهر میبرد معنی میدهد [16].

جهیزیه که از روز گاران دور، صله رحمی از طرف پدر دختر برای عروس تلقی میشد و پدر در حد توان خود جهت سروسامان گرفتن زندگی نوین فرزندش او را در مهیا نمودن وسایل زندگی یاری می نمود؛ رفته، رفته از مسیر صحیح و اصلی خود خارج گشته و در برخی مناطق بطور کلی این سنت متروک ماند، و در پاره یی از مناطق رنگ یک امر واجب الا دأ را بخود گرفت { تا آنجا که بعضی گویند: عروس بی جهاز مثل روزه بی نماز و دعای بی نیاز... است } و تدریجا بعنوان یک معضل و مشکل اساسی در راه ازدواج و بلاخص ازدواج دختران قد علم نمود و پیشرفت تکنولوژی و توقعات بیش از حد مردم و از طرفی مباحثات و افتخار نمودن به کثرت متنوع بودن جهیزیه، پرداخت آن را بسیار سخت و مشکل کرده است. تا آنجا که امروز بعضی از مردم در پرداخت

جهیزیه ناچار اند از دیگران قرض کنند و یا از بانک ها وام بگیرند و یا ملک و یا چیز دیگری را بفروشند تا جهیزیه ی دختر شان را فراهم سازند و اگر چنانچه جهیزیه ی یک دختر اندک باشد چنین عروس در خانه شوهر و از طرف بستگان او مورد کم لطفی و بی مهری قرار میگیرند و یا به عبارت دیگر قلت و کثرت جهیزیه یکی از عوامل آسایش و آرامش دختران در خانه ی شوهر تلقی میشود و این عمل از نظر اسلام صحیح نیست.

زیرا که از نظر اسلام دختر یعنی عروس هر گز به مهیا نمودن و سایل و لوازم خانه مأ مور نشده است. بلکه شوهر است که باید مسکن، نفقه و کلیه ما یحتاج او را فراهم نماید.

نه زن "عروس" مکلف است و نه پدر عروس، بلی اگر خانواده عروس احسان کرده و بصورت صله رحمی اشیا و لوازمی را در اختیار دختر شان قرار دادند و یا از دارائی خود برخی از لوازم و اثاثیه ی خانه اش را فراهم کردند کار پسندید و مطلوب است و لی از نظر اسلام مکلف به چنین کاری نیستند [10].

## رسیدن چیزی بدون سوال و تصور

اگر زن با اخلاص دل و طیب خاطر بدون اینکه شوهر از او بطلبد و یا به فکرش آرزوی هدیه ی زن را داشته باشد به شوهر خویش چیزی بدهد این هدیه یا هبه نعمتی است الهی و گرفتن و پذیرفتن آن هیچ ایرادی ندارد.

آیت قرآن مجید است که: "و وجدک عائلاً فأغنی"

و یافت ترا تنگ دست و فقیر، سپس ترا بی نیاز کرد. اشاره به چنین نکته است: "و اشتراط عدم التطلع و التشرّف بقوله عليه السلام: ما اتاک من غیر اشراف فخذوه و ما لا فلا تتبعه نفسک" او کما قال عليه الصلواة و السلام.

طلب نکردن و آرزو نداشتن شرط است چون حضرت پیامبر اسلام "ص" فرمودند:

آنچه که بتو برسد بدون (آرزوی دل) آنرا بگیر والا اصلاً بدنبالش نرو، و خودت را خسته نکن [8].

## نظر بعضی فقها در مورد جهیزیه

فقهای حنفیه اتفاق نظر دارند که مهر، حق از حقوق زن و "ملک اختصاصی" اوست. و هرتصرفی که بخواد میتواند در آن بکند: هبه کند، جهاز بخرد، برای خود نگه دارد و کسی حق مخالفت را ندارد. و همه ی نیازهای زن مانند

لباس، فرش و وسایل ضروری خانه فقط بر عهده ی زوج "شوهر" است. وبه نظریه فوق امامیه نیز موافق اند.

مالکیه میگویند: برزوجه است بآن مقدار از مهریه ی خود که گرفته است، به همان شیوه و اندازه ی زنان امثال خود جهاز بخرد. ولی اگر چیزی از مهریه نگرفته باشد تهیه ای جهاز بر او واجب نیست مگر در دو حالت: 1- وقتی که عرف شهر تهیه ای جهیزیه را برزن، هرچند چیزی از مهر خود نگرفته باشد واجب بداند. 2- زوج با او شرط کرده باشد که از مال شخصی خود وسایل خانه راتهی کند.

اگر زوجین در مالکیت چیزی در اسباب خانه اختلاف داشته باشند، باید بررسی کرد که آیا آن مال فقط برای مردان است یا فقط برای زنان ویا هم زنان وهم مردان از آن استفاده میکنند. بنابر این 3 حالت دارد:

1 - مال، فقط مخصوص مردان است. مانند لباس شخصی او، کتابهای شخصی، وسایل طبی و مهندسی- اگر مرد مهندس یا داکتر باشد- درین مورد قول مرد، البته با سوگند، مقدم است. مگر آنکه بینه ای وجود داشته باشد براین که آن مال از آن زوجه است. این نظر حنفیه و امامیه است.

2- مال، فقط مخصوص زن است. مانند لباس شخصی، زیور آلات، وسایل خیاطی ولوازم آرایش، درین مورد قول زوجه را می پزیرند مگر آنکه بینه ای وجود داشته باشد دال براین که آن مال، از آن زوج است. این هم نظر حنفیه وامامیه است.

3- مالی است که هر دو میتوانند از آن استفاده کنند مثل فرش، پرده وچیز های ازین نوع؛ این گونه اموال را به کسی میدهند که بینه می آورد.

اگر هیچکدام بینه "دلیل" نداشتند، هردو سوگند یاد میکنند که این مال، مال شخصی اوست و پس از "تحالف". مال بین آنها بطور مساوی تقسیم میشود. اما اگر یکی قسم بخورد و دیگری امتناع ورزد، مال را بکسی میدهند که قسم خورده است. این نظریه امامیه است. اما ابوحنیفه و شاگردش- محمد- برین نظر اند که در هر مالی که برای هردو قابل استفاده باشد قول زوج مقدم است.

شافعیه معتقدند که اگر زوجین در مالکیت اثاث خانه اختلاف داشته باشند بین هر دو تقسیم میشود. فرق نمیکند که آن برای هردو قابل استفاده باشد یا مالی باشد که مخصوص مردان یا مخصوص زنان است [4].

## جهیزیه ی حضرت فاطمه زهرا "رض"

اگر نظری به تاریخ صدر اسلام بیا ندازیم مشاهده میکنیم که اشرف پیامبران یعنی حضرت محمد"ص" جهیزیه ی دخترش را که سیده ای زنان بهشت است چه چیزهای داده

است، این سادگی بدین خاطر است که امت راه اورا پیشه ساخته و در زرق و برق دنیا غرق نشوند.

قا علی "رض": {جهز رسول الله "ص" فاطمة فی خمیل و قرب و وسادة ادم حشوها لیف الا نخر} .

حضرت علی فرمودند: پیامبر اکرم "ص" جهیزیه حضرت فاطمه را از یک حوله "چادر" و یک مشکیزه و یک متکای چرمی که از لیاف انخر "گیاهی است از تیره گندمیان که دارای بوی نسبتاً مطبوع است" پر شده بود فراهم نمود. و در روایت دیگر چنین آمده است:

{عن علی "رض" لما زوجه فاطمة بعث معها بخميلة و وسادة من ادم حشوها لیف و رحیین و سقاء جرّین} .  
"هنگامیکه پیامبر اکرم فاطمه را به عقد من در آورد به همراه او یک چادر، یک متکای چرمی که از الیاف پر شده بود و یک آسیاب- دستی- و یک مشکیزه و دو کوزه گلی به خانه ای او فرستاد "

بنابر این برمسلمین است که این روایات را نصب عین خویش قرار داده و به آنها عمل نمایند و آنانکه راه افراط را می پیمایند و به جهیزیه های بزرگ افتخار می کنند باز آیند و بستگان خویش را به فراهم نمودن جهیزیه های گران قیمت مجبور نکنند، باشد تا عداوت و کینه کمتر شده و زندگی جوانان ما در عین سهولت و با کمال رضایت و شادمانی برگزار گردند.

وآناتیکه راه تفریط را می پیمایند وکوچکترین چیزی به دخترانشان عطا نمیکنند نیز خود داری نمایند وبه این سنت پیامبر"ص" عمل نمایند که کاری بس پسندیده ومطلوب است. وآن حضرت"ص" بهترین الگو ونمونه برای ما میباشد واطاعت از او درتمامی زمینه های زندگی موجب سعادت ابدی ما خواهد گشت.

## مفاسد جهیزیه مروج

اشرف علی تهانوی به نقل از صفحه 56 و 57 اصلاح الرسوم این موضوع را بیان داشته است: حالا منظور نه هدایت است و نه صلّه رحم بلکه ریاء، تظاهر، نام ونمود است ونیت اجرای مراسم قومی دارند به همین علت بری" وسایل که از داماد به عروس میدهند" و جهیزیه هر دو را پس از اعلام به نمایش میگزارند، وکالاهای معین دارند تعدادی ظروف بخصوصی را ضروری میدانند علل واسباب جهیزیه هم معین است که فلان چیز حتماً باید باشد وکل افراد قبیله و خانواده های وابسته باید آن را ببینند.

کلیه وسایل جهیزیه در محل خاصی در جمع مردم حاضر تک تک کالاها معرفی ونمایش داده میشود، لیست زیور آلات وکلیه کالاها تهیه ودر جمع قرائت میشود، حالا خودتان قضاوت کنید آیا این ریاء وتضاهر است یا خیر؟

ازین همه که بگذریم لباس زنانه را به عموم مردم نشان دادن چقدر خلاف عفت و غیرت است و اگر هدف صله رحم است هر مقدار که در حد توان و در دسترس است بعنوان احسان داده شود. علاوه بر این برای هدیه یا صله کسی قرض نمیگیرد، اما برای اجراء این مراسم اکثراً طرف مقروض میگردد، ولو قرض او سودی هم باشد ولو زمین یا باغ او به فروش برود یا رهن "گرو" بشود، پس چیزی غیر لازم را لازم کردن ریا و فخر فروشی و اسراف و غیره همه مفسد موجود است لذا این طوریکه مروج و معروف است در فهرست ممنوعات و منکرات قرار گرفته است.

## خود نمایی در جهیزیه گناه بزرگ است

ازدواج پسر با دختر به حقیقت گامی است برای ورود به دنیای جدید و زندگی نو و تازه، هر مقدار این زندگی با صفا تر و جذاب تر باشد، در گرم نگهداشتن پیوند این ازدواج مؤثر است.

بدین وسیله جهیزیه که شامل مجموعه ای از وسایل برای ترتیب زندگی و سروسامان دادن خانه است، میتواند امری مورد قبول اسلام باشد.

پسر و دختری که می‌خواهند زندگی مشترک و مستقلی را آغاز کنند، باید حد اقل وسایل مورد نیاز یک زندگی را داشته باشند وگرنه دچار مشکلاتی خواهند شد. همه جا چنین مرسوم است که خانواده ی عروس لوازم اولیه ی زندگی را خریداری کرده و همراه اوبه خانه ای داماد می فرستند این سنت اسلامی ، نیکو و مستحب میباشد.

گرچه داماد شرعاً و قانوناً حق مطالبه ای جهاز را ندارد، و بر خانواده ای عروس هم واجب نیست که جهیزیه را تهیه کند، اما همان طوریکه در مبحث مهریه گفته شد، داماد از طریق پرداخت مقداری از مهر بصورت نقدی کمک به خانواده ای عروس میکند. تا آنها بتوانند با آن پول لوازم ضروری و مورد نیاز را برای زندگی مشترک پسر و دختر تهیه نمایند.

با این کار و همیاری و همکاری خانواده طرفین، بسیاری از مشکلات و موانع ازدواج حل میشود.

غالب مردم متأسفانه این حقیقت را فراموش کرده اند که صلاح و مصلحت دو زوج جوان آن است که زندگی مشترک را از جای ساده ی شروع کنند و اگر می‌خواهند توسعه دهند، این کار تدریجاً صورت میگیرد.

باید توجه داشت که فقط در فضای یک زندگی ساده وبی پیرایه وبا معنویت، عطر محبت و صفا موج میزند وعلاوه براین که تأمین نیاز های آن؛ فشار کمتری به زوجین وارد میکند،

میتواند الگویی مناسبی برای قشر وسیعی از جوانان جامعه باشد که امکانات کمتری دارند.

برعکس درزندگی تجملاتی، بسیاری از ارزش های اخلاقی درزیر آوار جهیزیه "جهیزیه سنگین" که تنها برای خود نمایی و فخر فروشی است، مدفون میگردد. پیابر اسلام می فرمایند:

"لا تزوجوا النساء ... لا موالهن فعیسی اموالهن أن تطغیهن ولكن تزوجوهن علی الدین"

{ با زنان به خاطر ... و برای مال و ثروت شان با آنان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا که مال و ثروت شان آنان را به طغیان و سرکشی وا دارد. بلکه برأساس دینداری با آنها ازدواج کنید}.  
باتوجه به کلمه ای نورانی حضرت رسول اکرم "ص" بیشتر به اهمیت دینداری و تقوی و داشتن روحیه ای قناعت و کم توقعی زوجین جوان پی می بریم. و باید گفت: هدف از فراهم نمودن جهیزیه و لوازم اولیه ای زندگی، فقط برای تأمین آسایش و نیاز است نه به منظور تجمل و فخر و خود نمایی!

چه بسا خانواده هایی که طی سالیان دراز، همه ی تلاش و کوشش پدر و مادر برای تهیه ای جهیزیه دختر است. حتی از خرجهای ضروری خود می کاهند، تا یک جهیزیه ای سنگین و تجملاتی برای دختر تهیه کنند و به اصطلاح؛ آبرو حیثیت اجتماعی خود را حفظ کنند و به پندار خود دختر شان را خوشبخت و سر بلند کنند.

چه خانواده های که به هنگام ازدواج دختر خود، خویشان را به رنج و فلاکت می افکنند. زندگی را برخویشان حرام و به نفع جهیزیه او اقدام میکنند. و یا دخترانی که بخاطر بردن جهیزیه ای بیشتر بر پدر و مادر تنگ گرفته و زندگی آینده شان را بر آن ها تلخ میکنند.

برای مقدار بیشتر آن عزا می گیرند، نا راحتی و تأثیر از خود نشان میدهند و ....

متأسفانه امروز خیلی از کار ها و رفتار های رقابتی و هم چشمی برای " هوای نفس " شده و فقط به خاطر " حرف مردم " به یک سلسله اعمال پوچ و غیر الهی دست میزنیم که در صورت عدم توانایی خانواده ها، تهیه ای جهیزیه ای تجملاتی یکی از مصداق های آنست.

بعضی از خانواده ها هنگام فرستادن جهیزیه به خانه ای داماد، همه ای اقوام، خویشاوندان و همسایه ها را خبر میکنند و با یک سرو صدای خاص آنها را حمل میکنند و یا به نمایش میگذارند، گویا هدف نمایش است.

و در مقابل این گونه افراد اگر کسی نتواند به اصطلاح جهیزیه ای مناسب را برای فرزندش تهیه کند، احساس شرم و حقارت میکند ، و حتی بین دو خانواده - عروس و داماد -، بگو مگو ها شروع میشود و آرامش و آسایش وصل و صفا را از خانه ای دو زوج جوان مختل میکند و دخالت های بیجا از همین جا شروع میشود و آثار شوم و سوء آن در روحیه ای داماد و عروس،

شاهد زندگی را درکام آنها تلخ میسازد. از همه بدتر مقایسه ای است که بین جهیزیه این دختر و آن دختر انجام میشود، که معمولاً این کار آتش کینه و حسد و عداوت را در گروهی از حاضران می افروزد و مفساد دیگری را بدنبال دارد، چرا که کار بد همیشه، زنجیر وار کارهای بد دیگری را سبب میشود. حقیقتاً این هم چشمی ها، خود نمایی و فخر فروشی نه تنها از نظر اخلاقی خطا است؛ بلکه گناهی بزرگ به حساب می آید[9].

ایکاش! این همه سرمایه ای را که تلف میکنند و بدون موجب به خریدن بعضی اجناسی- جنس که اصولاً یا ضرورت نبوده و یا هم سبب افزایش گناه میگردد- میپردازند، آنرا به زوجین بدهند تا آنها برای آینده ای خود شان ملکی بخرند و یا کار های تجارتي کنند تا سبب راحت خاطر آنها گردد. اما دقیقاً هستند کسانی اعم از عروس و داماد که به این وضعیت خوشبین نبوده خواستار آن حالات فخر فروشی و خریدن گناه است.

وردوست دست میدهدت هیچ گو مباش  
خوشتتر بود عروس نکوروی بی جهیز.

" سعدی "

## یک پیام به خواهران مسلمانم

خواهر مسلمانم! میدانم که در شرایط امروزی کسانی زیادی برای بدست آوردن قدرت و برای رسیدن به مقامات بلند دولتی، ندهای سر میدهند و- به اصطلاح- خواستار اعاده ای حقوق میباشند، به زعم خودشان میخواهند ترا از زیر یوغ مرد سالاری برهانند. همچنان تیم ها وگروپ های مختلفی بالای دین اسلام ومسلمانان انگشت انتقاد میگذارند مبنی براینکه اسلام حقوق زن را در نظر نداشته ومسلمانان در مورد؛ ظالم اند، یعنی بی خبر ازمزایای واقعی اسلام اند ونمیدانند ارزشی را که اسلام به مقام زن وبه ارج گذاری آن قایل شده در سایر ادیان وجود ندارد.

خواهرم! مزایای واقعی اسلام را بعد ازدرك به دیگران تفهیم نموده برسان، ومشکلاتی که ازین ناحیه برجوامع اسلامی پدید آورده اند، باکمال اخلاص وجرات کامل مرفوع ساز ورسالت خود را درزمینه، به پیشگاه پروردگار بزرگ ادا نما.

خواهرم! اگر اسلام را با همه ملتزماتش ازاعماق قلب قبول داری وبه پیروی ازدساتیر آن آماده هستی، درنگ مکن وتردید و شک را درنفسست جا مده وبأ صداقت کامل در دایره ای اسلام داخل شو، در زمینه ی حقوق وارج گذاری زن در اسلام به مطالعه بپرداز، آنگاه خواهد دانستی حقوق که غربیان وغیر

مسلمانان شعار میدهند، شایسته ای یک خواهر و یک زن است و یا حقوق و ارزش که اسلام بیان داشته و باز گومیکند.

خواهر مسلمانم! این را بدان که اکنون رسالت بسا بزرگ برداشت میباشد و آن عبارت از الگو بودند در بین زنان درهمه عرصه ها میباشد، تا آنانیکه با تقلید روش غربیان و اروپاییان خود را به حقوق خویش رسیده میدانند به یقین درک کنند که آنها نه تنها به حقوق خویش نرسیده اند بلکه با گذشت هر روز بیشتر و بیشتر مورد استثمار جامعه قرار میگیرند و مشکلات محیطی، اجتماعی، اخلاقی و... بالای شان درحال ازدیاد است.

خواهرم! زندگی خویش را "چه قبل از عروسی و چه بعد از عروسی" در قالب اسلام عیار نما، رسوم و عادات جاهلانه و کورکورانه ای منطقوی را کنار گذاشته، جهالت و بد بختی را از فامیلت دور ساز.

خواهرم! شاید در جریان زندگی ات یکبار عروسی کنی، این مجلس عروسی ات را با بهترین وجه مطابق شریعت سپری کن؛ مهری را که قرآن برای تعیین نموده است آن را از شوهرت به آسانی گیر، از مهر زیاد و کمر شکن که باعث ضعف اقتصاد و مدیونی شوهرت میگردد دوری جوی، تجملات و تشریفات بی هوده را سبب افتخار خود و بستگانان بدان، مصارف بیجا در هر موارد که باشد اسراف است و میدانی که

خداوند"ج" اسراف کنندگان را برادران شیطان معرفی کرده است.

خواهرم! در بسیاری از فامیل ها دیده ام که خواهران برای تهیه ی جهیزیه با والدین خویش سختی میگیرند و امکانات اقتصادی والدین و یاشوهر را در نظر ناگرفته برای جهیزیه ی خویش اجناس قیمت بها و حتی از ضرورت بیشتر، توقع میکنند و جهیزیه ی وافر را سبب خوشبختی خویش میدانند. تو باید بدانی آنچه که سبب خوشبختی و رفاه تودر خانه ای شوهرت "خانه ای اصلی خودت" میشود فقط داشتن اخلاق و رویه ی اسلامی میباشد که مملو از صفای قلبی و رضای خاطر باشد نه جهیزیه ی زیاد.

خواهرم! ازدواج نمودن شادی و خوشحالی است اما امروز در اثر مشکلات که از ناحیه ای مهریه و جشن عروسی بر جوانان وارد میشود در بسا موارد منجر به یک سوگواری میگردد؛ چقدر پسران از دست گرانی مهریه و مخارج عروسی و چه اندازه دختران از عدم پرداخت آن از طرف پسران و فامیل آن، به انحرافات مواجه گردیده و بدون ازدواج زندگی خویش را به تنهایی سپری میکنند، این هارا دانسته به فامیلت تفهیم کن، به مهریه ی گزاف و عروسی تجمل نما التفاتی ننموده، همه جوانب زندگی را در نظر داشته باش، از تقلید و پیروی کور کورانه ی فرهنگ و روش غیر مسلمانان خانواده و جامعه ات را باکمال دانش و دانایی بدور نگه دار.

## فہرست مأخذ:

- 1 - تفسیر کابلی .
- 2 = تفسیر معارف القرآن .
- 3 = تفسیر نمونہ .
- 4 = مغنیہ ، محمد جواد . احوال شخصیت . مترجمان : جباری  
ومسجد سراپی . ص : 71-72-75-77-78-80-80-86
- 5 = مجلہ عدالت ارگان نشراتی وزارت عدلیہ افغانستان  
شمارہ 37 دلو و حوت . نوشتہ عبدالقادر عدالتخواہ .
- 6 = مطہری ، استاد مرتضی . نظام حقوق زن در اسلام . ص :  
227-228-229-224 .
- 7 = مصری ، داکتر سید سابق . فقہ السنۃ . مترجم : ابراہیمی  
ص : 1359-1400-1401-1408-1409-1407 .
- 8 = تہانوی ، علامہ اشرف علی . ازدواج اسلامی . مترجمان :  
دامنی و محمد ابراہیم . ص : 157-161-160-165-167-  
164-169 .
- 9 = ماجراجو ، محسن . نیازہا و روابط عروس و داماد . ص :  
80-83-86 .
- 10 = تریز ، عبدالرشید . تصویر جامع ازدواج در اسلام . ص :  
180-182-187-188-206-207-213 .
- 11 = نبیل ، شیر محمد . تشکیل خانوادہ در یرتو قرآن و سنت .  
ص : 110-111 .
- 12 = قانون مدنی افغانستان مادہ های : 100-107-106 .
- 13 = المدرسی ، آیۃ اللہ سید محمد تقی . احکام خانوادہ و آداب  
ازدواج . ص : 128-132 .
- 14 = طاہری ، مولوی حفیظ . موجدی ، مولوی غلام محمد .  
خلاصۃ المسائل .
- 15 = بعضی از نبشتہ های پراگندہ و مرتبط باموضوع .
- 16 = حمید ، حسن . فرہنگ عمید . ج اول . انتشارات امیر  
کبیر . تہران ، 1384 .

## معرفی نامه :



بسم الله "شریفی" فرزند حاجی محمد شریف درسال 1363 هـ ش دریک خانواده ی متدین وزحمت کش دربغلان مرکزی دیده به جهان گشوده وتا اکنون علاوه ازدروس مکاتب ودانشگاه به فراگیری علوم دینی پرداخته است. موصوف دوره ی تعلیمات خویش را در متوسطه مرکز بغلان، مکتب نوی بغلان ولیسه ی عالی مرکز بغلان سپری کرده وبا داشتن نمرات عالی در سال 1384 از لیسه عالی مرکز بغلان فراغت حاصل نموده است.

او نسبت به علاقمندی ورضایت خویش در امتحان کانکور به فاکولته شرعیات بلخ راه یافت و با درنظرداشت نمرات کدزی در سال 1388 از دانشگاه فراغت حاصل نمود. هدف عالی واندیشه ی متعالی اش اورا آرام نگذاشته وبا درنظرداشت رسالت ایمانی و وجدانی خویش با جمعی از جوانان روشنفکر ومیهن دوست کانون فرهنگی جوانان ولایت بغلان رادر سال1383 تاسیس نمود. اورا در ایام نوجوانی هوای مطالعه، مبارزه، شعر گویی، نویسندگی وطنز نویسی به خود پیچانید وهمان بود که نخستین مجموعه ی شعری اش به اسم «طلسم دهر» در سال1388باسرو صدا هائی زیاد داخلی وخارجی اقبال چاپ یافت. که به گفته ی همایون موحد یکی از اندیشوران معاصر: «آقای"شریفی" درین مجموعه ی شعری، شیر آسا به عنوان یک مبارز مسلمان ویک انقلابی نو اندیش تثبیت اندیشه کرده است وخواسته است با نوشتن این مجموعه اهداف داشته های ذهن خویش را به مردم مسلمان وفرهنگ دوست خویش تقدیم نماید.»عشق وافر او نسبت به ارزشهای دینی وفرهنگی سبب شده است که او تا اکنون موسس ومدیر مسؤل نشریه ی

کاروان بیان، ماهنامه ندای پامیر، هفته نامه عقاب و کتابخانه ی «معرفت» دریغلان بوده باشد.

مضامین، طنز و اشعار او در بسیاری از نشرات چاپی کشور به نشر رسیده؛ و او کتابی را به اسم «مهر و جهیزیه زن در اسلام» آماده به چاپ و کتاب های (سکولاریسم از دیدگاه اسلام، یهود کیست، مسیحیت را بشناسید و...) را تحت کار دارد که انشاءالله در آینده های قریب در دسترس ماوشما قرار خواهد گرفت. «شریفی» با استعداد عالی که دارد در بسیاری از محافل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در داخل و خارج کشور اشتراک کرده و وجبیه دینی و فرهنگی خویش را در قبال مردم و وطنش انجام داده است. او به عنوان یک جوان مسلمان احساسات پاک و میهن دوستانه ی خویش را در همه حالات بوسیله ی نوشتار و گفتار- حتی المقدور- بیان کرده و همیشه خواستار یک افغانستان سربلند و نظام اسلامی میباشد، که طبق فرموده استاد سید منور تقوا: «حقیقتاً سخن از درد دل مردم مسلمان خود گفته است که احساسات پاک و شور آفرین این شاعر و نویسنده جوان و یاد کرد او ازین ملت بسا جای افتخار است». «شریفی» به عنوان یک خادم هر لحظه میخواهد در خدمت مردم مسلمان که به بیان خودش: «انشاءالله ممثل آرزوهای مقدس شما خواهم بود» باشد.

آرامگاه امام المحدثین "قطیبہ ی بغلانی"

